

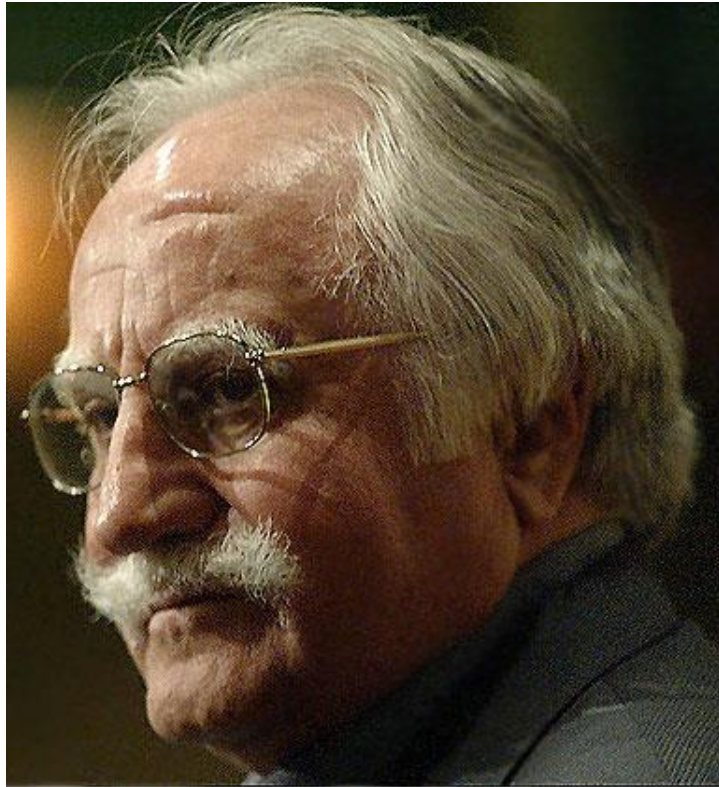
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مردی از جنس ملکوت

به اهتمام

حزین (زهرا) خوش نظر

خزیر تابر گلک آن تقاش جان افشان کنیم
کاین همه نقش عجب در کردش پرکار داشت



واز زبان، هنرچه بگویم، که هنر یعنی بیقراری دل،
یعنی بدنبال نیسان کشتن،

یعنی ناز خریدن، یعنی از نیاز خود با او گفتن،

یعنی از او شنیدن،

و شعر و موسیقی و نقاشی و..... و هنر، آهنگان را آهنگان ترمی کند.

و شعر یعنی بیقراری دل، و موسیقی آوای شورانگیز عشق است.

و نقاشی.....

و نقاشان تصویرگر عشقند، که نقش خیال بر در و دیوار دل می زنند.

و استاد بسیار عزیز و گرانمایه، استاد فرشچیان

که کوپی در آینه‌ی قلب عاشق و صاف و صیقلی اش، نقش هارنگ می‌پذیرد و از

صفحه سپید دل بادستان قدرتمند و هنرمندش به روی تابلو جان می‌گیرند.

و هر نقش یک شعر بلند است از ضمیر تاناک نقاش، که بر روی بوم نقاشی جان گرفته

است.

و هر تابلو یک شئوی بزرگ است، که بازبان خطوط و رنگ سخن می‌گویند.

استاد فرشیان، خود حافظ دیگری ست که بازبان رنگ شعر می‌گوید.

زبان، هنر، زبان روح است.

زبان شیدایی جان تاناک، هنرمند است،

و همه با این زبان انس دارند،

انسی دیرینه به قدمت جهان.



: از میان آثارم تابلوی عصر عاشورا را بسیار دوست دارم.

مروری کوتاه بر زندگی نامه استاد محمود فرشیان



استاد محمود فرشیان در سال ۱۳۰۸ در شهر سنرپور اصفهان دیده به جهان گشود.

پدرش که مردی هنردوست بود با توجه به اشتیاق فرزند به هنر نقاشی او را به کارگاه استاد

حاج «میرزا آقا امامی» رهنمون کرد. وی سپس در هنرستان هنرهای زیبای اصفهان

از استاد «عسی بهادی» تعلیم گرفت.

پس از پایان این دوره به اروپا رفت و چند سالی در آنجا به مطالعه و بررسی آثار نقاشان

بر حسب غرب همت گماشت

و در نتیجه همین مطالعات بود که به رهیافتی تازه از هنر نقاشان با معیارهای جهانی رسید.

پس از بازگشت به ایران کار خود را در اداره کل هنرهای زیبای تهران آغاز کرد و پس

از مدتی به مدیریت اداره هنرهای ملی و استادوی دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران

برگزیده شد. در این میان با کار و کوشش مداوم و خلق آثار سنگفت انگیز،

آوازه هنری او در ایران و در فرا سوی مرزها گسترش یافت.

استاد فرشیان در حیطه نقاشی ایرانی به وجود آورنده سبک و مکتب خاصی است

که در عین توجه به اصالت مبانی سنتی این هنر، با ابداع شیوه‌های نو، قابلیت و کارایی
تقاشی ایرانی را افزایش داده است.

او این هنر را غنابخشید و از حالت الزامی یک پدیده متکی به شعر و ادبیات رها ساخت
و رسالت و ارزشی در حد سایر هنرها در تقاشی ایرانی پدید آورد.

تقاشی‌های استاد آسنیره دلپذیری از اصالت و نوآوری است.

وی با خطوط روان و ترکیب‌بندی‌های ظریف و مدور، راز و رمزها و اشارات درونی
نهفته را در آثار خود به وجود می‌آورد.

در همین حال با نوآوری در گزینش موضوع و پرداخت اثر به گستره‌ای فراتر

از قالب های مرسوم می رسد. رنگ های تابناک و مواجی که در آثار استاد دیده می شود،

آیتی است از ابتکار که افسانه ای به نظر می رسد.

آثار استاد فرشیان در بیش از صد نمایشگاه فردی و جمعی در ایران و سایر کشورها برپا شده

و با استقبال بسیار زیادی روبه رو شده است.

برگزاری نمایشگاه های پی در پی معرف شهرت ایشان در پهنه جهانی است؛ به گونه ای که

موزه ها و کتابخانه ها و مجموعه داران شخصی و عاشقان هنر به داشتن قطعه ای از آثار او

مایل می کنند.

باتأسیس موزه فرشچیان در مجموعه فرشگی- تاریخی سعدآباد، سازمان میراث فرهنگی
کشور بر آن شد تا فرصتی برای عموم، هموطنان عزیز و هنردوستان جهان فراهم آورد تا از
آثار این هنرمند بزرگ در یک مجموعه زیبا بازدید به عمل آورند.
در این موزه بالغ بر هفتاد اثر از آثار استاد گردآوری شده است.

همچنین طراحی‌های ضریح مطهر و منور حضرت اباعبدالله (ع) و ثامن الائمه حضرت
رضا (ع) به قلم ماندگار و باکفایت استاد فرشچیان صورت گرفته است که این نقوش
زرین، یادمانی است خجسته در تاریخ فرهنگ و هنر ایران که استاد به صورت افتخاری
انجام داده و به این توفیق، مستخر است.

روند تحصیلی:

طبع آزمایی در کارگاه استاد حاج میرزا آقا امامی و استاد بهادری (۱۳۲۳)

دیپلم عالی از هنرستان هنرهای زیبای اصفهان (۱۳۲۹)

سفر به اروپا جهت مطالعه و بررسی آثار نقاشان برجسته غرب و هنرآموزی در وین

به مدت ۷ سال (۱۳۳۲)

دریافت درجه یک هنری (معادل دکترا)

فعالیت ها:

طراحی ضریح حضرت رضا (ع) و طراحی ضریح حضرت اباعبدالله (ع) و عضویت در

هیئت اجرایی و نظارت دقیق بر ساخت آن

طراحی ضریح شهدای کربلا

طراحی سرداب مطهر مرقد حضرت رضا (ع)

طراحی ضریح سرداب غنیمت در سامرا

استاد اسکنده هنرهای زیبای دانشگاه تهران

بنیانگذاری مرکز مذهبی و فرهنگی «نور و دانش» در شهر اتر فرود نیوجرسی آمریکا

کتابها

تصویرگری شاهنامه فردوسی (۱۳۵۳)

تقاشی ها و طراحی های محمود فرشچیان، جلد نخست، بنگاه ترجمه و نشر کتاب (۱۳۵۵)

محمود فرشچیان، جلد دوم، انتشارات نگار (۱۳۷۰)

پهلوانان بزرگ در شاهنامه فردوسی (۱۳۷۰)

داستان های پهلوانان در شاهنامه فردوسی (۱۳۷۲)

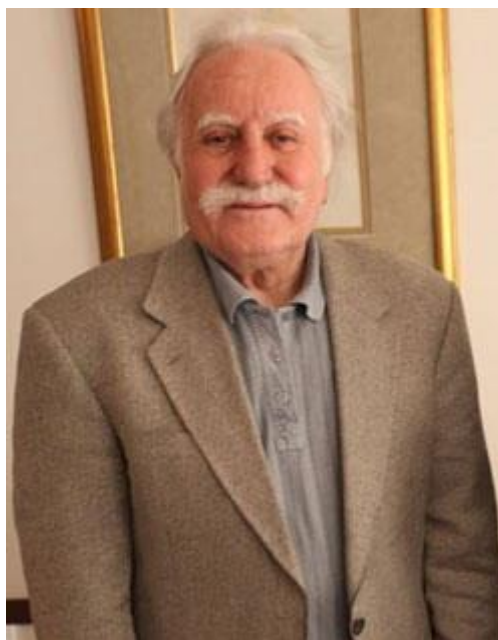
محمود فرشچیان، جلد سوم، چاپ آلمان

محمود فرشچیان، جلد چهارم، یونسکو، چاپ ایتالیا

محمود فرشچیان، مجموعه آثار، جلد پنجم، خانه فرهنگ و هنر کویا (۱۳۸۷)

مقاله

رساله‌های تحقیقاتی و سخنرانی در مورد هنر ایران در امریکا



نمایشگاه‌ها

گالری فاکس ورث نیویورک

موزه هنرهای معاصر تهران

گالری مینیاتور هنرهای زیبا

موزه علم و صنعت شیکاگو

دانشگاه یوتا، شهر سالت لیک

موسسه خاور میانه، واشینگتن DC

انجمن ایران و آمریکا، تهران

موزه ایران باستان، تهران

موزه لاهور، لاهور

شورای ملی هنر، کراچی

موسسه فرهنگی هنری، راولپنڈی

گالری کوروش، پاریس

موزه هنرهای زیبا، الجزیره

دانشگاه تهران، تهران

تالار فرهنگ، تهران

گالری هنرهای زیبای اروپا، وین

گالری هنر مولر، مونیخ

پلازای باربرینی، رم

گالری موسیقی، میلان

موزه کاخ گلستان، تهران

موسسه فرهنگی هنری، استانبول

موزه کاخ چهلستون، اصفهان

موسسه فرهنگی ایران و بریتانیا، اصفهان



برک‌هایی از افتخارات

قرار گرفتن نام استاد در کتاب مشهور Who's who، نسخه قرن بیست و یکم (۱۳۸۰)

قرار گرفتن نام استاد در فهرست روشنفکران قرن بیست و یکم (۱۳۷۹)

مدال طلای برترین درجه هنری (۱۳۷۲)

تندیس طلایی اسکار، ایتالیا (۱۹۸۷)

تندیس طلایی اروپایی هنر، ایتالیا (۱۳۶۴)

نشان هنر نخل طلایی ایتالیا (۱۳۶۳)

دیپلم اکادمیک اروپا، اکادمی اروپا، ایتالیا (۱۳۶۲)

دیپلم لیاقت دانشگاه هنر، ایتالیا (۱۳۶۱)

جایزه اول وزارت فرهنگ و هنر، ایران (۱۳۵۲)

مدال طلای جشنواره بین المللی هنر، بلژیک (۱۳۳۷)

مدال طلای هنر نظامی، ایران (۱۳۳۱)

برگزیده همایش چهره های ماندگار (۱۳۸۳)

خوشترا آن باشد که سردلبران

گفته آید در حدیث دیگران

پروفور فرانسس ریشار

آثار فرشیان مارابه حال حله می برد

پروفور «فرانسس ریشار»، موزه دار ارشد بخش نسخ خطی کتابخانه ملی فرانسه،

دباره آثار استاد محمود فرشیان معتقد است:

«باید عنان خیالمان را راکنیم تا به دنبال تخیل این هنرمند رود

و بگذاریم او مارا با خود به همان حلسه یا «حال» تقریباً صوفیانه ببرد.

آیا زیباتر از این می توان به ذوق و قریحه این هنرمند احترام کرد؟

هر که برای نخستین بار طرح یا نقاشی ای از محمود فرشچیان را ملاحظه کند، یحجان شدیدی در

خود احساس می کند و از همان اولین لحظه در می یابد که فرشچیان هنرمندی است که همه

اصول و منابعی را که استادان پیش از او می دانسته اند چگونه از آن بهره برداری کنند،

عمیقاً و به خوبی می شناسد، با این همه اثر هنری او تشخص ویژه خود را داراست.

ولی بی هیچ تردید، سخن گفتن درباره هنر این هنرمند بزرگ بدون یادآوری و بیان تحلیل

فوق العاده و باور نکردنی و خلاقیت توانمند او مشکل می نماید؛ هنری که می توان گفت

به صورت رویا جلوه گری می کند؛ رویایی که دوستان ایرانی ما آن چنان اهمیتی در

تعبیرش قائل اند که آن را در حد پیشگویی می شمارند.

پیچ و خم و فرازونشیب هایی که آرایه ترکیبات محاکر گری فرشیان است نیر در خدمت

همین رؤیاست و آنها حالتی از همان ابرهایی اند که منظر جاودانگی است، که ایرانیان

از آغاز قرون وسطی برای پوشش و آرایش آسمان مادر مینیا تورهاشان پذیرفته و به کار

گرفته بودند.

این پیچ و خم ها و منحنی های بی شمار ما را با خود به گرداب های بی پایان از رؤیا های بردو

دباره خودمان به پرسش وامی دارد که ما کیستیم؟

از کد این جهانیم؟

آیا ما از ساکنان همین جهانی هستیم که قلم موسی فرشتگان آن را بدین صورت درآورده

است؟

این هنرمند، ما را به همراه خود در برابر سوالات و پی جویی های بزرگی از زندگی انسان قرار

می دهد. آن مردان جوان، زنان یا فرشتگان که شاید نیریمان «پریان» باشند،

به بهترین وجه، احساسات والا و لطیفی را متجلی می سازند.

کیست که چهره های فریاد دلربای زنانی را که شاهکارهای این هنرمند کوئی به آنان جان

بخشیده است با دیده تحسین نگریسته باشد؟

آنان باد لربایی که آمنیزه‌ای از صفا و پاکی و میحان انگیزی شدیدی است، تماشاکننده

رامسحور خود می‌سازند و او را به دنیای خیال می‌کشاند.

چه تضادی میان جامه‌های کمرنگ و رخسارهای سبزه با آن مکاره‌های آتشین و

غیرقابل نفوذ آنهاست؟

این پری پیکران، دامن‌کشان از لاله لای جامه‌های کره زده و پر چین و شکن شان همانند

شعله‌های آتشین سر بر می‌آورند و با حایل‌های بلند ر مکارنگ که بر گرد و دوش شان

می‌پیچد کویا برای رقصیدن آهنگ می‌نوازند،

این پیچ و خم دادن و اوج و حضیض بخشیدن بدان چهره‌ها همان مکارگری است که

آن نیز دقیقاً در راستای سنت تقاشان بزرگ هرات در پایان قرن پانزدهم (میلادی)

است و مگر توجه عمیق بدان و بیان دل انگیز آن نیست که کمال الدین بهزاد تقاش را

بزرگ ترین استاد در میان همه مینیاتوریست های ایران ساخته است؟

و بهزاد نیز قاعدتاً آن را از زندگی صوفیانه خود الهام گرفته

که او را در تحقق چنین نوآوری اعجاز آمیز و گریزانه مجاز ساخته است.

هنر فرشچیان در این جهت بسیار توانمند است زیرا باز بردستی خیره کننده ای که

بر خلاف منش و روش ظریف اوست، با قدرتی کوبنده با انسان امروزی سخن

می گوید و بر اساس سنت محاکر می ایرانی - در دنیای فارغ از زمان - در ناکجا آباد از راه

ورسم و موضوعات بنیادی زندگی انسان، نیروی حیات، بخش و شورش و عشق، نبرد

با عناصر سازگار، دلدادگی و شیطنتی اندوه و مرگ سرود می سراید.

هنر ایرانی آن چنان سرشار از دنیای لبریز از مظاهر و تصاویر است که به خودی خود

جهانی دیگر است و فرشیان کلید این جهان را داراست او ما را به دنبال خویش به

گشت و گذار اسرار آمیزی می برد که تخیمان مسحور و مجذوب و نیازمان به زیبایی

سیراب می شود و با خشنودی و رضایت کامل به این جادوگر که همان مکارگر است تن

می دهیم و سرمی سپاریم و او ما را به راز کشایی و کشف دنیایی از نعمت و توانگری که هیچ

گمان بدی را در آن راه نیست می برد.

با این همه، برای متوجه شدن و درک کامل غنای این دستاورد و صورت‌نگاری که خطوط و

ظرافت کاری اش همانند چین و شکن زلفان محبوبان، آن قدر ظریف است که نامرئی

به نظرمی رسد، راهی جز آفرین گفتن و تحسین کردن نمی‌ماند.

باید عنان خیالمان را رها کنیم تا به دنبال تخیل این هنرمند رود

و بگذاریم او ما را با خود به همان حلسه یا «حال» تقریباً صوفیانه برود. آیا زیباتر از این

می‌توان به ذوق و قریحه این هنرمند احترام کرد؟

پروفورار نست کروبہ - پروفورالینور سیمز

آثار فرشیان نوآوری بر جسته در قرن بیست و یکم

پروفورار نست کروبہ والینور سیمز معتقدند:

«ویژگی آثار فرشیان آن است که مکارگری راز» تجسم کرایه شعر» رمانیده و با «ابزار

تصویر سازی»، به هنری مستقل و خود کفایتیل کرده است.

او هنرمند بر جسته قرن بیست و یکم است.

آثار اخیر او مکاره های تصویری ایرانی را که همواره غنصری بنیادی در ویژگی ملی

آن سرزمین بوده از «تجسم کرایه شعر» رمانیده و از «ابزار صرف تصویر سازی»

به هنری مستقل و خودکفایت‌پیل کرده است.

جنبه‌های دیگر این نقاشی‌های حارق العاده فرشیان نیز نیازمند شرح و تفسیر است.

نقاشی‌های او غالباً از موجودات افسانه‌ای انباشته‌اند.

جانوران از ابرها شکل می‌گیرند؛ چهره‌های نامتعارف را از لاله‌لای صخره‌ها و درختان

می‌توان باز شناخت؛ جامه‌های موج‌دار، صورت‌های انسانی یا موجودات فراواقعی

به خود می‌گیرند. این همه به نظری رسد که از تخیلی نیرومند برآمده‌اند.

جنبه به فرد دیگر در نقاشی‌های فرشیان شباهت‌های مدور چشم‌گیر بسیاری از نقاشی‌های

اوست.

تقاشی‌های عالی در دوره‌های گذشته ایران قطعا بر پایه ساختار زیربنایی دایره‌وار تصویر

شده‌اند.

آثار بهزاد، نقاش بزرگ دوره تیموری و سلطان محمد نقاش بزرگ دیگر دوره صفوی از

تختین نمونه‌هایی‌اند که به ذهن می‌رسند. با این همه در قیاس با این استادان گذشته ایران،

تصویرپردازی دایره‌وار فرشچیان به نحو سگفت انگیزی پویاتر است و چهره‌ها و شاخ و

برگ‌ها و موجودات افسانه‌ای چنان با یکدیگر در چرخش و پیچ و تاب‌اند که گویی همه در

کردابی جای دارند و این همه به شیوه‌ای سامان گرفته است که حد قدرت دست

صورتگر فرشچیان را یکسره آشکار می‌سازد.

در واقع، این جنبه‌ای رازگونه از هنر فرشچیان است که رنگ آمیزی فوق العاده او
سعی در پنهان کردنش دارد؛ با این حال از آنجا که در زیر ساخت همه آثار او قرار دارد،
از تختین «تقاشی» قلم موی اش نیز پیدا است،

و حتی بیش از آن در آثار کمیاب و بخش‌های تکررنگ تقاشی‌های آبرنگ‌مات او
دیده می‌شود.

به این دلایل و نیز به دلیل احترام او به هنر والای تقاشی ایرانی،
استاد محمود فرشچیان نه تنها میراث‌دار سبک این سنت چند صد ساله است بلکه فراتر از
آن، هنرمند برجسته‌ای در قرن بیست و یکم به شمار می‌رود.

ہوانک جو، نقاش بزرگ چین

فرشچیان؛ ہنرمندی کہ بہ ہمہ ادوار تعلق دارد

استاد ہوانک جو، نقاش بزرگ چین، رئیس مرکز تحقیقات ہنری چین و رئیس موزہ

یان ہوانک پکن دوبارہ آثار استاد فرشچیان معتقد است:

«آثارش، اوراز معدود ہنرمندانی ساختہ کہ ماندگارند و تنہا فرزند زمان خویش نیستند

بلکہ بہ ہمہ ادوار ہنر تعلق دارند»

استاد ہوانک جو، نقاش بزرگ چین، رئیس مرکز تحقیقات ہنری چین و رئیس موزہ

یان ہوانک پکن دوبارہ آثار استاد فرشچیان معتقد است:

«آثارش، او را از معدود هنرمندانی ساخته که ماندگارند و تنها فرزند زمان خویش نیستند بلکه

به همه ادوار هنر تعلق دارند.»

عصر ما دوران نوجویی و نوآوری است و برای ملت هایی که بنابه سابقه تاریخی و فرهنگی

خود دارای سنت هنری هستند عبور از مرحله کهن به نود هنرهای سنتی و ملی یکی از

پیچیده ترین مسائل و از مهم ترین تعهدات هنرمند در برابر جامعه است.

من به انگیزه علاقه دیرین خود به هنر به مطالعه و بررسی آثار هنر ایران

به خصوص نقاشی سنتی توجه و کرایش خاص دارم.

برگزاری سمینار و نمایشگاه هنر ایران با همکاری دانشگاه پکن و موسسه یان هوآنک

مخصوصاً سخنرانی و مباحث ارزشمند دکتر مظفر بختیار استاد ممتاز دانشگاه پکن و متخصص
عالی‌قدر در هنر و فرهنگ چین موجب شد تا هنرشناسان آگاهانه‌تر و با دیدگاهی روشن‌تر
به آثار کلاسیک هنر ایران و ارتباط ظریف و عمیق بین هنر چین و ایران بنگرند.
نقاشی‌های کمال الدین بهزاد و رضا عباسی و محمود خان صباحی‌اش را برانگیخت
و آثار خوشنویسی میرزا غلامرضا اصفهانی نشان داد که هنر والای خوشنویسی تا چه حد
می‌تواند خود را از قید زبان و کلام رها سازد و به عنوان هنر محض و مستقل و غیر وابسته
جایگاهی ویژه و متعالی یابد.

در بین هنرمندان معاصر، استاد محمود فرشچیان که شهرت جهانی دارد

موفق شده است در نقاشی سنتی با حفظ اصول و اصالت های آن نوآوری کند و

دارای سبک و مکتب خاص و تأثیرگذار شود.

اهل هنر در می یابند که نوآوری و رسیدن به شیوه متمایز و ممتاز شخصی در هنرهای سنتی که

اصالت آن در حفظ سنت است تاچه حدی به ذوق و خلاقیت و قدرت ابتکار توأم با

شناخت دقیق و اصیل از میراث فرهنگی و تاریخی و در عین حال برداشت

درست و صحیح از نوآوری لازم دارد.

این همان راهی است که نقاشان و استادان سنت گرای چین نیز در پیش گرفته اند

و بعضی از آنان هم در این زمینه دست آوردهای موفقیت آمیز داشته اند.

این امتیازات و ویژگی‌های هنری، استاد محمود فرشچیان را به صورت یکی از چهره‌های
درخشان هنر نقاشی معاصر در آورده و از محدود هنرمندان ماندگار ساخته که تنها فرزند
زمان خویش نیستند و ارزشیابی آنان فقط به معیارهای زمان و مکان خودشان محدود
نمی‌شود. اینان به همه ادوار هنر تعلق یافته‌اند.

بازیل راینسون عضو فرهنگستان بریتانیا

پی‌بردن به راز و رمز آثار فرشچیان مشکل است

بازیل راینسون عضو فرهنگستان بریتانیا و سرپرست بخش هنری موزه ویکتوریا آلبرت

لندن درباره آثار فرشچیان معتقد است:

«پی بردن به راز و رمز تصاویر مشکل است و برای درک مفاهیم آثار فرشیان باید با

عرفان، ادبیات فارسی، اندیشه ها و باورهای هفتۀ او آشنایی داشت.

تقاشی سنتی ایران، هنری ساده و صریح - در واقع هنر تصویر کتاب - و از معانی

پوشیده و نمادگرایی های روانی به طور کلی دور بوده است.

تصاویر کتب شاهنامه فردوسی و یا ختمه نظامی بیانگر ساده و بی پیرایه دقایقی است

که در داستان ها آمده، اما با همه زیبایی و دلفریبی ای که هنرمند تقاش در ایجاد آن توانا

بوده است.

حتی در نسخ خطی کتبی که محتوای آن فاقد هر گونه جنبه داستانی بوده - نظیر دیوان حافظ

یا شتوی مولوی - اگر هم به ندرت تصاویری نقش بسته اغلب واقع گرایانه و منطبق

با رویدادهای داستان بوده است،

به عنوان مثال در مورد حافظ هنگامی که شاعر از بازی چوگان و یا از شراب به

صورت تمثیلی یا عرفانی یاد می کند

تقاش آشکارا بازی چوگان یا سروری از سرمستی را تصویر کرده است

یاد در مورد شتوی مولوی که البته نسخ خطی آن بسیار کم است نقاش تصاویر خود را

بیشتر محدود به برخی داستان های متن کرده و در این تصاویر کوششی برای نمایاندن

تعبیر عرفانی و مابیان پیام‌های معنوی نشده است.

تقاشی سنتی ایران پس از ادوار تکوینی خود در دوران مغول که با نقوشی درشت

و نمایان آغاز شد، به تدریج گسترش یافت و از دوران ریزه کاری‌های دقیق و

رنگ آمیزی‌های اعجاب انگیز مکتب هرات گذشت، به شیوه‌های پر شکوه اوایل

عهد صفوی پیوست و بعد به مرحله حالات احساسی و بهنجین خطوط و

قلم‌گیری‌های ماهرانه در قرن هفدهم رسید.

فرشچیان وارث چنین سنت غنی و متنوع است.

در آثار او عناصر هر یک از مراحل تکامل تقاشی ایران دیده می‌شود.

اما برتر از اینها مهارت خارق العاده فرشچیان در ترسیم خطوط و نقاشی در هم پیچیده

و موج است که به عنوان وجه تمایز هنر، بیننده را تحت تاثیر قرار می دهد.

امتیازی که رضا عباسی و پیروان او آن را به اسادی و مهارت به کار گرفته بودند،

اما در انتخاب موضوع و نیز شیوه ترسیم، نقاشی های فرشچیان به طور کلی با آثار

پیشینیان او متفاوت است.

وی البته ویژگی ذاتی و ممتاز عواطف ایرانی را درباره شعر و تخیلات شاعرانه

داراست و نیز توفیق بازتابی این عواطف را در آثار خود به دست آورده است.

نقاشی های فرشچیان تصاویر بسیط و ساده ای نیستند که همچون نقوش دوران تیموری و

صفوی بیانگر داستانی باشند.

به عکس، این نقاشی‌ها را تعبیر تصویری از عوالم درونی نقاش باید دانست.

به همین دلیل پی بردن به راز و رمز این تصاویر مشکل تر از ملاحظه پیروزی رستم

بر دیوسفید است.

در واقع برای دک بهتر ما فهم پوشیده در این نقوش، آشنایی با عرفان و ادبیات

فارسی و اندیشه‌ها و باورهای نهفته در آنها برای بیننده ضروری است.

اگر چه کمتر کسانی در میان غیر ایرانیان می‌توانند ادعای چنین الفتی را با منابع

فارسی داشته باشند، مع هذا یک هنردوست می‌تواند همچنان تحت نفوذ قدرت

زیبایی نقاشی های فرشچیان قرار گیرد و استادی و کمال مهارت وی را تحسین کند.

اوبه راستی وارث شایسته یک سنت دیرپای درخشان است.

نامه به فرشچیان:

تحلیل خلاق کردارهای یزدانی تکرار می شوند؛ کردارهای اهریمنی می میرند.

(ت.ج. شوچنکو)

جناب آقای محمود فرشچیان بسیار محترم؛ کارمندان موزه دولتی ت.ج. شوچنکو

در شهر کیف، پایتخت اوکراین، پاسکزاری و ارادت عمیق خود را خدمت شما ابراز

می دارند.

تقریباً در سرتاسر ماه‌های بهار امسال، نمایشگاه تقاشی‌های بسیار هنری و عمیقاً فلسفی
شما که در اشکال زمینی، تکوین معنوی جهان و جایگاه انسان در آن را مصور می‌کنند،
در تالارهای موزه برپا بود.

تنها هنرمندی که نشانی از خداوند بخشیده مهربان در اوست می‌تواند شاهکارهایی این
چنین بی‌مانند بیافریند که در آنها کردارهای معنوی و دستاوردهای نوع انسانی،
دست کم در دو هزار سال گذشته، تا این پایه محسوس و طبیعی بازتاب یافته است
و این همه حساسیت را شما در طریق نیکی، روشنی، و هماهنگی گسترده‌اید،

طریقتی که کام به کام هر دو هنرمند و بیننده را به ساحت علوی خواست متعالی

و مطلوب لطف خداوندی نزدیک تر می کند.

ما با گام نهادن در جهان شخصیت های آثار شما اندک سختی های دنیوی انسان ها را از یاد

می بردیم.

جان های ما کم کم از یهودگی تباهی ناپذیر جنجال های روزمره آسوده می شد و آن گاه

شخصیت های آثار شما در خشان تر و روشن تر دیده می شدند،

و سرانجام در پکی و شفافیت چون پر تو آفتاب می گشتند.

امیدوارم آشنایی ام با آثار خلاقه شما ادامه یابد.

به یاد بود خاطره دلنشین هنرتان، تابلوی بسیار زیبای «طبال دوردست» شما را با خود

داریم که در مجموعه ماودکنار میراث خلاقه «ت.ج. شوچنکو» نابغه اوکراینی چون

مرواریدی تا ابد خواهد درخشید.

استاد کرامی، آرزو مندیم که در همه کارهایتان بخت یار تان باشد

و کوشش های خلاقه تان سال ها و سال ها ادامه یابد

و ما را به سوی ملکوت جاودانی خداوند هدایت کند.

با احترامات فائقه؛ ل. زیپچوک منتقد و هنرشناس موزه ت.ج. شوچنکو / کیف /

اوکراین

نقل از: کتاب چهره های ماندگار

استوارت کرمی ولش، سرپرست موزه ساکس و دانشگاه هاروارد

لایه های پنهان نقاش جهان های دیگر

استوارت کرمی ولش، سرپرست بخش هنرهای اسلامی و هندی موزه ساکس و دانشگاه

هاروارد که از فرشچیان با نام «نقاش ملکوتی» یاد می کند، می گوید:

«آثار او سرشار از داده های کرانه ها در زمینه فرهنگ و هنر ایران است؛

آثاری که سرشار از راز و رمز زندگی است و نهفته های بسیاری در لایه های نقوش او

می توان دید.

هنگامی که انسان با محمود فرشچیان در خانه اش به گفت و گو می نشیند آوازی دلنشین پرندگان

زمینه ساز مجلس اویند.

به راستی اگر این هنرمند پر توان خلاق ایران قرن بیستم، استاد کمنام در دوران صفوی

سده شانزدهم می بود، نگارندگان تاریخ هنر او را استاد پرندگان می نامیدند.

محمود فرشچیان و نقاشی ها و طراحی هایش، با همه پیوندی که با سنت های ایرانی دارند،

متعلق به این روزگارند.

وی استاد پژوهنده ای است با احاطه کامل بر گنجینه دیرپای هنر سنتی ایران

که در طی مسافرت های متعدد، هنر اروپا و امریکا را نیز به خوبی مطالعه کرده و به

عصرین المللی هنر، خو گرفته است.

اگر فرشچیان نه در سال ۱۳۰۸ شمسی در اصفهان، بلکه در سال ۱۵۰۰ میلادی در تبریز یا

هرات به دنیا آمده بود و نقش و نگارهایش از مایه های جهانی کمتری برخوردار می شدند،

در آن صورت می توانست در دربار شاه طهماسب، نگارگر تقدیری برای سلطان محمد،

میر مصور، یا میرزا علی باشد.

این استادان بزرگ عصر صفوی نقاشی های فرشچیان را می ستودند،

همچنان که او اکنون پس از قرن ها آثار آنان را ارج می نهند،

ولی دست تقدیر، روزگاری او را به دنیا آورد که نقاشی ایرانی دیری است که با

هنر غرب در تماس است.

مگاهی به آثار فرشیان به خوبی نشان می‌دهد که سلیقه او در زمینه منابع هنر ایران به مرور

زمان متحول شده و تکامل یافته است.

اگر نقاشی‌های اولیه او یادآور رضا عباسی و مکتب او بوده کارهای اخیرش آثار سلطان

محمد هنرور بزرگ ایرانی را به خاطر می‌آورد.

نقاشی‌ها و طراحی‌های این استاد که من در جایی دیگر او را «نقاش ملکوتی» خوانده‌ام ابعاد و

جنبه‌های گوناگون دارد.

آثار او سرشار از داده‌های گرانبهای در زمینه فرهنگ ایران به ویژه

دربار صفوی است و در همان حال با نمایدن خصوصیات انسان ها و حیوانات بعدی
فرح انگیز و آموزنده به خود می گیرد و در مجموع پیامی فراتر از مضامین ترسیم شده دارد.
آنچه در نگاه تحت رویدادی از شاهنامه به نظرمی رسد نوعی سیر و سلوک عارفانه
نیز است. همانند شکسپیر، سلطان محمد در میان مردم محبوبیتی گسترده داشت و هر طبعی
را خوشایند بود.

دلقکان، انسان های عجیب الخلقه و مردمان از هر رنگ و لباس در پرده ها و داستان های
حماسی این دو هنرمند ظاهر می شوند و در فضایی آکنده از دقایق روانی نقشی را ایفا
می کنند. آثار سلطان محمد فراوان اند و همان قدر بیننده را شیفته می کنند که پندکان و

حیوانات سرشار از حیاتش؛ گل ها، درخت ها، کوه ها و رود ها و آسمان در آثار این استاد،

حتی بدون همراهی انسان و حیوان، از حرکت و حیات لبریزند.

فرشچیان همه این ویژگی ها را به خوبی شناخته و باز یافته است.

در نقاشی های فرشچیان هر تنه درخت، هر شاخه، هر برگ، هر صخره سرشار از راز و رمز

زندگی است و نهفته های بسیاری را در لابه لای نقوش او می توان دید.

سینش فرشچیان خوشایند است اما به اندازه هراس انگیز است امانه پیش از آنچه که باید.

اگر ابلیس در کناری یاد و رای توده در هم پیچیده ابر کمین کرده حس زیبایی شناسی این

استاد ایرانی حد فاصلی مابین او و بیننده ایجاد می کند، اگر در صحنه ای کره موزون شال

خوب رویی به کمند شیطان منتهی می شود، در تصویر دیگر از شمشیر بر آن نقشی دل انگیز

می سازد.

در کارهای فرشچیان اندوه و شادی، تراژدی و کمدی همه جا با هم اند.

در تابلوی «بهار می آید» ساخورده صوفیان و شاد جام بر لب و دف در دست

در حال سماع اند و سر بر کشیده از زرقای تیره کون زمینه ای سبز به دور پری رویی که

دست افشان و پای کوبان است، حلقه زده اند.

در این تابلو همه چیز به گونه ای از وجود و نخوشی نشان دارد

اما همراه با بختی تلخ کنایه آمیز و توانان دل نشین و روح انگیز فرشچیان

در عین حال که می‌خندند مارانیر شداری می‌دهد و به کهولت و پیری طنه طنز آلود

می‌زند که «بیج سری چون پیرشیدانست.»

در کنار تابلوئی نوازی شیفته و آشفته، لرزان و مشتاق به نوعی به پیش می‌رود تا بر سیمای

زن بوسه زند،

و در پایین تابلو چشمان پر تلا لویی که به انگلستان سگسلی و پر رمز و راز به جای دختر قصده

خیره شده تا ناآیداری هر گونه سرخوشی را هشدار دهد.

پس از تماشای این تصاویر بسیار دقیق کیج کننده، می‌توانیم به تماشای

تابلوهای حیرت انگیز دیگر فرسچیان برویم

و از زیبایی آنها مخطوط شویم.

تأثیر تماشای نقاشی‌های فرسحیان تأمدت‌هایی می‌ماند و هر بار معنی تازه‌تری از آنها

به ذهن می‌آید.

حرکت رقص گونه‌پرده‌های حریر در «بهار می‌آید»

چهره‌هایی که با آثار رضا عباسی الفتی دارند، انگشتان نرم و کشیده و خط‌های سیال

و نقش‌هایی دورا انگیزه‌های انسان را به سوی رابطه اسرارآمیز میان صوفیان ساخنورده و

پری روی رقصان می‌کشاند.

آیارقص پری رواست که آنان را مسحور کرده یا نغمه جادویی سماع صوفیان است

که اورا به وجد و نشاط آورده؟

هر چه باشد پیام این اثر تامل انگیز است.

در عرصه دنیای مسحورکننده که گاه التهاب انگیز قلم فرشیان بانوای خطوط و نقوش

سبزکونه سنتی ایران به رقص درمی آید؛

چرخش ها و منحنی های دو سوی صحنه یکدیگر را به توازن و اعتدال می کشند.

خط های راست و بی انحناء اگر در بعضی نقوش معماری و کاشی کاری ها کمیا باند انسان ها

و حیوانات همه پر حرکت اند و جاندار، پراز عضله، پوشیده از مو و خز و پر که ناکزیر جای

چندانی برای نمایاندن استخوان نمی گذارد؛

فرم هانه هندی و قراردادى بلکه طبعى و سىال و مه آلود و اشى اند.

به هنگام نقاشى، فرسچيان غالباً به موسيقى كوش فرامى دهد.

هموازى هاى موسيقى زينه قلم زنى هاى طريف و پچان اورا فراهم مى آورد.

نقاشى هاى او انسان را بر مى انگيزد تا با كوش جان نواهاى غير ملموس اورا كه چون خط ها و

شكل هايش قرارداد اند پيزند بشود.

در اين نواها از آهنگ هاى پر ضرب كوش آزار نشانى نيست بلكه هموازى طريفى در

بين سرودهاى لطيف ابداع شده است.

آواز پزندگان، بانك مرغان، زمزمه آب،

ریزش پرپیچ و تاب آتش کوش رامی نواز دو توفان با طغیان با آتش های سوزان و

رعب انگیز را چنان ماهرانه ترسیم می کند که به چشم، حواس انگیز نباید و تازیانه به کیفیت

فرودمی آید که هرگز کزنده نباشد.

هنگامی که انسان به محمود فرشیان،

به مهارت فوق العاده و دست های پرکار و خلاقش می اندیشد خاطره تابلو و جدا انگیز او را

به ذهن می آورد؛

«پنجمین روز آفرینش» را که مایه های از قرآن دارد و در آن همه مخلوقات زمینی و آسمانی به

سایش پروردگار مشغول اند.

ماهی ها و پرندگان واقعی و تخیلی در دریاها می توفانی شناور و بر آسمان ابری در پروازند.

کوبی چون سایه های در بهشت فروزان از انوار الهی، کرچه منقار ها و پنجه ها، دندان ها

و بال ها، به دست یک استاد توانای طبیعت شناس به تصویر درآمده،

اما چشم ها و حرکات اثر کوبی تصورات نقاش از دنیاها می دیگر است.

کوبی حیرتسور ایدر کل یونسکو

فرشچیان نقاش افونگری است

کوبی حیرتسور ایدر کل یونسکو درباره آثار استاد فرشچیان معتقد است:

«جهان محمود فرشچیان به راستی قلمرو سحرآمیزی است که در آن واقعیت و خیال

در برابر یکدیگر قرار نگرفته اند بلکه با همسازی و همخوانی تحلیل حیرت انگیز به هم آمیخته و

توأم شده اند.

در تقاشی های محمود فرشچیان طبیعت و اشیاء را چنان که هستند می توان باز شناخت

اما در عین حال به طرز راز آفرینی و گمراهی گشته اند،

بدین معنا که گرچه ظاهراً در نظر آشنایمانند ولی به یاری مهارت و سلیقه هنرمند کیفیت

فوق العاده و ناشناخته یافته اند.

فرآیند گردیسی جالبی که محمود فرشچیان در ترکیب بندی و تمکال هنر خویش

به کار می گیرد تنها با حدس و گمان دریاقتنی است.

او از سنت های متنوع و پربار و سرشار فرهنگ ایرانی سود می جوید و همزمان، خلاقانه به

جهان معاصر نیز می پردازد.

او خاطره های دیرین و میراث سرزمین خود را فرامی خواند تا در کنجینه اندوخته های خویش

را بکشاید و در ضمن از تازگی و ارتباط بی واسطه زمان حال نیز برخوردار می جوید.

او استاد افونکری است که گذشته و حال و آینده را در جلوه گاهی شگوهمند و والا فارغ از

قید زمان به هم می آمیزد آنچه بر همه ما مسلم است این است که:

«هنرمند محمود فرشچیان ماندگار خواهد بود.»

فدريكو مايورديرکل پيشين يونسکو

آثار فرسچيان سيرو سياحت در جهان سگفتي هاست

فدريكو مايورديرکل پيشين يونسکو در باره آثار فرسچيان مي گويد:

«کشودن کتاب نقاشي هاي محمود فرسچيان به راستي سيرو سياحت در جهاني از

سگفتي هاست.

در نخستين نگاه بيننده درمي يابد که کيمياي نهفته در آن آميزه دلاويزي از حقيقت و

خيال است و محمود فرسچيان از افراد نادري است که به راز و رمز اين کيميا آگاهي

دارد.

آدمیان، حیوانات، طبیعت و آشیای بی جان ساکنان جهان این، هسرمنند؛

آنها را چنان که هستند می توان باز شناخت اما با مکارهای دیگر سیاه و معنای تازه ای از

آنان را آن هم نه در عالم خیال بلکه به گونه ای ملموس و محسوس می توان دید.

اینجاست که فرشیان به زمره هسر آفرینان یگانه و استثنائی می پیوند.

از نقش و مکارهای او جز با شیفتگی نمی توان گفت؛

زیرا بیننده را به ژرفای بیکران هسری که به افونگری می ماند می کشاند؛ به جایی که در آن

همه جزیرا سوی زمان شناور است.

مهارت دیگر استاد در این است که وفاداری به سنت هنری ایران را با شناختی عمیق
از هنر معاصر به هم آمیخته و نه تنها میراث عظیم و بنیادین فرهنگی ایران را از یاد نبرده
بلکه به حد اشباع از سرچشمه های آن نوشیده است تا آثار امروزیش شایدهی بر
کنجینه های دیروزین شوند و بر آن میراث بزرگ بیفزایند.

فرشچیان در طراحی و تقاشی و رنگ آمیزی - بهمنان که در نقوش قالی و کاشیکاری -
بدایعی به وجود آورده است که در تاریخ هنرهای ظریف و ویژه ای که تخصص اوست
جاودانه خواهد ماند.

امبرتوبالدینی استاد و رئیس دانشگاه هنر فلورانس ایتالیا:

فرشچیان، کلام آخر و درخشان ترین فصل منظومه تاریخ هنر است

امبرتوبالدینی استاد کرسی تاریخ هنر و رئیس دانشگاه بین المللی هنر فلورانس ایتالیا

درباره استاد فرشچیان معتقد است:

«او کلام آخر و درخشان ترین فصل منظومه تاریخ هنر تا این زمان به شمار می آید.

او در فکر نقش آفرینی گل نیست؛ او می خواهد ما عطر گل را درک کنیم.

از زمانی که شهر فلورانس زادگاه عصر رنسانس و خیزگاه جهش هنری اروپا به عنوان

خواهر خوانده یا همسر فرهنگی شهر «اصفهان» پرورنده فرزانه ترین آفرینان و جلوه گاه

سنگوبندترین نادهای هنری شرق اعلام شد، علاقه من به مرور تاریخ هنر ایران و

شناخت هنرمندان آن سرزمین بیشتر شد.

در مسیر همین کشت و کنار تحقیقی بود که با آثار محمود فرشچیان صورتگر نامور ایران آشنا

شدم.

سنگفتی و سبحان برخاسته از این کشف هنری مرابه لایه های درونی فرهنگ ایران فرورد

و تاسده های میانی اسلامی که یکی از ارجمندترین عمود هنری جهان است و اوج آن را

در مکتب هرات و اصفهان می توان دید و نیز تا ادوار باستانی این خاستگاه یکی از

مدینت های عمده جهان پیش راند.

این کشاکش‌های کنج‌گاوانه پر سش‌هایی را در ذهن من تباد کرد؛

از جمله با توجه به زبان فوق‌العاده تصویری گویندگان بزرگ ادب فارسی - زبانی که به

قول مستشرق شهیر ایتالیا جوادان باد الساندرو بوزانی استاد ممتاز همین دانشگاهی که من

افتخار ریاست آن را دارم

«... زیبایی و کثرت اشعار فارسی را با هیچ زبان دیگری نمی‌توان مقایسه کرد...» -

چگونه ممکن است تصور کرد که هنر نقاشی در آن سرزمین به نقش‌های زیبا و دل‌انگیز

عالی قابو با کاشیکاری‌های مجلل و خیره‌کننده مسجد شیخ لطف‌الله منحصر بوده باشد،

یا اگر صورتگران و طراحان بزرگی چون بهزاد و رضاعباسی حضور داشتند،

پیشینان آنان کجا بوده اند؟

با عنایت به اینکه هنرهای تجسمی وسیعاً و عمیقاً با هم مرتبط هستند،

در عصری که تخت جمشید، نماد عالی ترین هنر معماری آن روز جهان، نقش رستم،

حاصل دست های حجاران ممتاز زمان و جام های طلای هخامنشیان کاروالای زرگران

چهره دست دوران در دیدگاه ماست، غنیمت صورتگران و نقش انگیزان را چگونه

می توان پذیرفت؟

محقق نامدار ژاپنی ریوچی هیاشی در کتاب «جادو ابریشم

» از یک شاهزاده ساسانی تبار به نام «پیروز» خبر می دهد که دولت مقتدری را

در آسیای مرکزی تشکیل داد و هزاران هنرمند مهاجر ایرانی از جمله نقاشان را به کرد خود

جمع کرد.

اگر چینی ها در ضمن تاریخ تفصیلی امپراتوری تانگ از او، آن هم به عنوان

«پی لوچی» نام نمی بردند امروز چگونه می توانستیم باور کنیم در چین فرمانروای ایرانی تبار

وجود داشته است؟

قراین دیگری هم وجود دارد که طرح پرسش های بیشتری درباره این حلقه گمشده فرهنگ

ایران را موجه می دارد.

آنچه مسلم است این است که سرزمین هنرپروری چون ایران نمی‌توانسته است
از وجود نقش آفرینان شرک در مقیاسی وسیع بی‌نصیب بوده باشد.

خوشبختانه ظهور سلسله‌ای از صورتگران بزرگ در ادوار اخیر این فرضیه را به یقین تبدیل
می‌کند؛

اگر کمال الملک را آغازگر فصلی نوباقوسی تازه از منظومه نقاشی ایران به حساب
آوریم به اعتقاد من محمود فرشچیان کلام آخر و درخشان‌ترین فصل این منظومه تا این
زمان به شمار می‌آید.

او از ۱۸ سالگی با آفرینش اثری به نام «گل آدم بسترشند» نشان داد که

تصویرگری استثنائی است.

در این تابلو نه تنها به بعد متعارف نقش تسلط یافت بلکه بعد سوم یعنی پرسپکتیور که در بین

نقاشان ایرانی کمتر رعایت می شد در اوایل کار خود وارد کرد و سپس از آن هم

گذشت و به پرسپکتیو حسی دست یافت و در خط سیری آفاقی به اقلیم فرشتگان که

استعاره ای از مدارج عرفانی است، رسید.

برای وصول به این منزل و مدارج بعدی، فرشیان راهی طولانی و عمیقاً هوشیارانه را طی

کرد.

در سروده های شاعران عرفانی ایران صورانه تعمق کرد،

به جست و جو و تامل در آثار مشاهیر نقش آفرین جهان در موزه های اروپا و آمریکا
پرداخت و قدم به قدم به کار خود که از قریحه ذاتی و نبوغ خدادادی نیر به حد و فور سود
می برد، غنا بخشید و بدین ترتیب در هنر خود به مرتبه جهانی رسید.

فرشچیان در فکر نقش آفرینی گل نیست؛ او می خواهد ما عطر گل را درک کنیم
و سعی بر آن دارد که چشم ما را به دنیایی که خود ناظر آن است باز کند و در عالم رنج و
سرستی بارنگ های جادویی بیننده را از سرای مشهود به دنیای ماوراء طبیعت هدایت
کند.

او از حیث ظاهر در نقش های ماندگار خود آمیزه ای از معنویت شرقی و شیوه غربی را

به خدمت گرفته و نگاره هایش آینه‌ای است از شکل و شمایل ایرانی که در عین

اصالت دل هر صاحب‌دلی را به یک نظری رباید.

اما برای دریافت باطن یا یافت درونی کار فرشیان دیدی ژرف نگر لازم است

و صبری زمان گیر. فرشیان در حوزه نقاشی ایرانی یک نقطه عطف و پدیده سنگفت

به شمار می‌آید. ادامه هنرتابناک این هنرمند فریخته ایرانی را آرزو مندیم.

پروفسور دکتر برت فراکسر، استاد دانشگاه بامبرگ - آلمان:

آثار فرشیان میراث هنری کل جهان است

پروفسور دکتر برت فرانکر، رئیس کرسی ایران‌شناسی، زبان، تاریخ و فرهنگ دانشگاه

بامبرک-آلمان درباره آثار استاد فرشچیان معتقد است:

«تقاشی فرشچیان پیوند تمام عیار با هنر اصیل ایران دارد و هنر او متعلق به یک تمدن

خاص نیست بلکه میراث هنری و فرهنگی کل جهان محسوب می‌شود.

از دیرباز بادوستان، هنردوست خود این بحث را داشته‌ام و هنوز ادامه دارد که آیا هنر

سنتی ایران و به ویژه هنر نگارگری و معماری هنوز می‌تواند در عصر حاضر و در قرن

بیست و یکم قدرت و نیروی خود را همچنان نگهداری کند، یا شاید دیگر با شرایط اجتماعی و

فرهنگی عصر ما مناسب و سازگار نیست.

در طول ۳۵ سال اخیر، تاکنون چندین بار با آثار کوناگون معاصر ایرانی روبه‌رو شده‌ایم

و گاه برداشت ما این بوده است که شاید برخی از آن تصاویر یا ساختمان‌ها نه تنها از

سنت‌های اصیل پیروی نکرده‌اند بلکه نتوانسته‌اند پاسخگویی مسائل مطرح در عصر حاضر

نمایند.

در برابر این موارد، تعداد آثار هنری نیز که بی‌شک استادی و مهارت سازندگان

خود را نشان داده‌اند اما در ایجاد رابطه میان هنر خود و روح زمان جدید و معاصر

توفیقی نداشته‌اند، کم نبوده است.

به محض اینکه با آثار فرشیان روبه‌رو شدم بلافاصله متوجه شدم که

این شخصیت هنری همان کسی است که در برقراری سازگاری و تناسب بین سنت

قدیم ایرانیان و عصر جدید از همه هنرمندان موفق تر بوده است.

تاکنون نگارگری رانیده ام که در تلفیق این دو عنصر، به درجه ای از تکامل رسیده باشد

که در آثار استاد محمود فرشچیان مشاهده می شود.

بنابر این روشن است که چرا یونسکو نشر آثار ایشان را بر عهده گرفته است.

نقاشی محمود فرشچیان آثاری را نشان می دهد که پیوند تمام عیار با هنر اصیل ایران دارد،

اما بیش از آن هنری را نمایان می سازد که از آن تمام بشریت و همه جهان است

و به نسل مای آموزد که هنر او نه تنها متعلق به یک تمدن خاص است

بلکه به همان اندازه. بخشی از میراث هنری و فرهنگی کل جهان نبره شمار می رود.

از این رو، به هنرمند بر حسته و بی نظیر، محمود فرشچیان تبریک می گویم و امیدوارم او در

آینده نیز آثار پر قدرت و بی مانندی در دیدگاه جهانیان قرار دهد.

شیکنوبو کیمورورئیس موزه هنرستانداری هیوکن- ژاپن:

ابدیت در چرخش های خیره کننده قلم فرشچیان

شیکنوبو کیمورورئیس موزه هنرستانداری هیوکن- ژاپن درباره آثار استاد فرشچیان معتقد

است:

«فرشچیان در آثار خود ابدیت کائنات را به یاری چرخش های خیره کننده

بازنمایی می‌کند.

به گزارش روابط عمومی فرهنگستان هنر، سینوبو کیمورورئیس موزه هنرستانداری
هئولکن- ژاپن با اشاره به شعری از ویلیام بلیک در رابطه با استاد فرشچیان چنین گفته:

«در سرشت بی‌نهایت، هر عنصری دارای کردباد خویش است

/ آن‌گاه که رهرو کس‌توده ابدیت کردباد خود را تا به غایت پی‌مورد

/ آن‌را به درون کوی، همچون خورشید یا ماه یا جهان پر شکوه درخشانی

/ طوار واری می‌پچد و در چشم انداز، مستی آشکارا می‌بیند

/ بر این منوال بهشت کردبادی است که رهرو کس‌توده ابدیت در ازل

از آن گذشته است

اوزمین کردادی است که هنوزش تابه انتها نپیوده است.

(ویلیام بلیک: «میلتون» میت های ۱۸۰۴ تا ۱۸۰۸) همچنان که این شعر بازگو

می کند، کرداد از دوران باستان همواره نادرگاه در سفر به کائنات بوده است.

کرداد سرچشمه راستین ابدی و کیهانی وحدت است

. بلیک در شاهکارهای نقاشی خود نیز از کرداد در مقام عنصر اصلی استفاده کرده

است؛ در چین نیز مفاهیم مشابهی از کرداد، زمانی که لائوتسه درباره «طریق تائو» سخن

می گفت وجود داشته است.

من از آن رو نقل قول این شعر بلیک را برگزیدم که تصویرپردازی پویای کردباد در

آثار استاد محمود فرشچیان را به بهترین وجه بازگو می کند.»

وی در همین زمینه افزوده:

«البته تابلوهای او صرفاً شکل هایی از کردباد نیستند،

بلکه باز نمودی از منظومه های حماسی مانند شاهنامه فردوسی و خمسه نظامی هستند

و پیشینه تاریخی آنها را به گونه ای سکوهمند و والامی نمایانند.

مهارت هنری محمود فرشچیان در کاربرد خطوط فاخر و استوار،

رنگ های پر تلاؤل و باسکوه و تلفیق و هم آمیزی های موسکافانه،

نشانگر جهشی عظیم در شیوه‌های هنری مکتب‌های هرات، تبریز و اصفهان است که در

دوران رنسانس ایرانی عصر تیموری و صفوی شکوفا بوده‌اند.»

مسیکنو بوکیمور و مکتب اصفهان را اوج مهارت هنری می‌شمارد و در این باره می‌افزاید:

«مکتب اصفهان اوج مهارت در خلق تابلوهای بی‌شمار بادورنمایه حیات این جهانی

است که اندکی به درخت و سبزه آراسته شده‌اند،

و رضا عباسی در کاربرد خطوط نرم و موزن و باوقار به قصد عرضه نقش‌های حسی و دلپذیر

مهارتی بسزا داشت.

محمود فرشچیان، در عین حال که آن ویژگی‌ها را به میراث برده است

در آفرینش خطوط گسترده و فراگیر و موج و کاربرد آنها در ترکیب بندی کرداد های اصل
و ابتکاری خویش شیوه ای منحصر به خود دارد».

وی آثار فرشیان را حاصل نبوغ وی می شمارد و در این باره می گوید:

«فرشیان با طرح های نبوغ آسا و مبتکرانه، رنگ های باشکوه و ترکیب بندی های

چرخان، خود بیننده را در سفری خیالی به سرزمین خاطره ها و جهان رویا ها، نمونه

می گرداند و آن همه را آزادانه نمود می بخشد.

توصیف تابلو های او الهام بخش من در بساختن واژه ای تازه بوده است:

«فراطبیعی = سورناتورال».

با این همه باید بپذیریم که فراطبیعت کرای (سورناتورالسم) با آنچه به اصطلاح

«فراواقعیت کرای» (سورئالسم) خوانده می شود یکسان نیست.

فراواقعیت کرای واقعیت را انکار می کند و در تارکی به دنبال وضعیت اعتدالی از

آگاهی است.

اما محمود فرشچیان در کمال استقامت و آرامش در قلمرو واقعیت محض مقام گرفته است

و در عین حال «واقعیت» را باروئای «فراطبیعی» یعنی خیال واره ای که از آن خود

اوست آینه خفته و به پیروزی ناشناخته و رازآمیزی دست یافته است».

رئیس موزه هنرستانداری هسولن - ژاپن در تشریح بیشتر آثار استاد فرشچیان

می‌افزاید: «فرشچیان در ظاهر، تصویری از امید عرضه می‌کند، اما در باطن، سرشار از

حس یحجان و بی‌قراری است.

بدین لحاظ می‌توان تابلوهای او را «رمانتیسیم فراطبیعی» خواند که جریان‌های پویا در

کانون آن قرار دارند.

بنابراین، همچنان که بلیک و لائوتسه خاطر نشان کرده‌اند، فرشچیان در آثار خود ادیت

کائنات را به یاری چرخش‌های خیره‌کننده بازنمایی می‌کند.».

رابت، میلن برنارد، استاد دانشگاه ادینبورگ:

در قلمرو هنرمندرن سبک فرشیان بی همانند است

رابت، میلن برنارد استاد هنر اسلامی دانشگاه ادینبورگ۔ انگلستان دوباره استاد فرشیان

معتقد است:

«در قلمرو هنرمندرن سبک فرشیان بی همانند است.»



مصاحبه با

همزمان با میلاد امام رضا (ع) استاد محمود فرشچیان در یک برنامه زنده تلویزیونی حاضر

شد و سخنان متفاوتی درباره نحوه خلق تابلوی «ضامن آهو»،

ساخت ضریح امامان و... صحبت کرد

او سخنانش را با نام خدا آغاز کرد و پس از سلام دادن به امام رضا (ع) خطاب به

بینندگان برنامه گفت:

هموطنان عزیز و مهربانم فرد فرد شما را دوست دارم و به شما علاقمندم و خدایم داند که

چقدر وطن دوستم و ایران را دوست دارم.

وی در پاسخ به اینکه آیاتاً به حال ضامن کسی شده‌اید، اظهار کرد:

همواره حضرت امام رضا (ع) ضامن من شده و به آن صورت یاد دارم

ضامن کسی شده باشم. اما همیشه سعی کرده‌ام هرکاری از دستم برمی‌آید برای دیگران

انجام بدهم.

این استاد مینیاتور در پاسخ به اینکه دوست دارید با کدام اثر شما معرفی کنند، گفت:

منی خواهم به دین داری و دین باوری تطاهر کنم.

من سعی می‌کنم خدمتی انجام دهم و آنقدر که توان ناچیزم اجازه می‌دهد کار خیر انجام

هم خواهم داد. من تابلو عاشورا را از همه بیشتر دوست دارم.

تأثیر تابلوی «عصر عاشورا» بر بانوی خارجی

وی افزود: خودم هم نمی دانم چه حس و حالی داشتم که این اثر تولید شد.

یادم می آید روزی در منزل مایک خانم خارجی و همراهانش حضور داشتند.

آن خانم ایستاده بود مقابل تابلو و مدتی به آن نگاه می کرد و می گفت نمی خورد.

دیدم اشک از گونه های او سرازیر است.

از من پرسید این حسین (ع) است؟

فرشچیان ادامه داد: این نقاشی روی بسیاری از افراد اثر گذاشته است.

استوارت کری ولس کہ از بزرگترین متقین ہنر در دنیا و استاد انکسار ہاوارداست،
روی کتابی کہ این نقاشی در آن چاپ شد مقدمہ نوشت و شرح داد کہ تاثیر این اثر
باور کردنی نیست۔

فکر می کنم خداوند بہ من رخ کرد و عنایتی کرد تا این نقاشی را کشیدم۔

در این مصاحبہ کہ آقای ظریف وزیر امور خارجہ نیز شرکت داشتند

استاد فریچیان ہم خطاب بہ ظریف گفت:

خدای داند من چقدر دعاگوی شما و روحانی ہستم۔ ہمیشہ وقتی اسمتان می آید می گویم

خدایا آنہارا موفق بفرما و انشاء بہ ہمہ مشکلاتشان فائق شوند۔

ظریف هم پاسخ داد: استاد شما افتخار همه ما هستید. هفته گذشته در حرم حضرت اباعبدالله

ضریحی را که به زحمت شما تهیه شده با افتخار زیارت کردم.

عصر عاشورا را سلوغ نکردم تا حس و حال فضا منتقل شود

در ادامه فرستیدم درباره تابلو «عصر عاشورا» گفت:

برای من ساده بود این تابلو را سلوغ کنم و حوادث عاشورا را بکنج انیم اما این اثر حالتی

دارد که غربت، تنهایی و مطلوبیت در آن مشهود است.

در این تصویر اسب خم شده و غلاف شمشیر به چشم می خورد.

وجود حضرت زینب در این اثر نمایان است و شکستگی درختان خرما، تیرهای شکسته،

زین اسب که فرو افتاده و چادری که آنجا قرار دارد،

عواملی است که حس کار را تشدید می کند.

وی افزود: کبوترهایی که بالشان را در خون مقدس امام حسین (ع) مالیده اند در این

تصویر پیام آور آن اتفاقات برای اهل بیت امام هستند.

من از عناصر و المان هایی استفاده کردم که این مسئله و حالت را تشدید می کند.

از چشم اسب هم اشک می ریزد و حالت بچه هایی که خودشان را به پای اسب

انداخته اند حس فضا را نشان می دهد.

ماجرای تابلوی ضامن آهو چیست؟

فرشچیان درباره تابلو «ضامن آهو» نیز توضیح داد:

من این اثر را با ۱۴ تابلوی دیگر به آستان مقدس رضوی اهدا کردم.

ماجرای این تابلو از این قرار است که شکارچی آهویی را دنبال می‌کند و آن آهو

خودش را به پای حضرت رضای اندازد. امام از شکارچی (ع) می‌خواهد آهوار را بکند و

او جواب می‌دهد که این حیوان روزی او است.

حضرت از او می‌خواهد آهوار را بکند تا او برای شیر دادن به بچه‌اش برود و بیاید.

شکارچی هم می‌گوید اگر نیاید چه؟

امام هم اشاره می‌کند که شترش را به او خواهد داد.

در ادامه آهومی رود و بر می‌گردد،

شکارچی هم متنبه می‌شود و کانش را می‌سکند و توبه می‌کند.

پشت میزکار که می‌نشینم جوان می‌شوم

این استاد تقاشی درباره حس و حال خود زمان آفرینش یک اثر گفت:

همیشه وقتی پشت میزکارم می‌نشینم احساس می‌کنم یک جوان تقاش ۴۰، ۵۰ ساله

و مشتاق هستم. گاهی بی‌وقفه تا سه بعد از نصف شب کار می‌کنم.

می‌توانم این ادعا را داشته باشم که من همیشه در خود «حال» هستم.

حال خاصی که، هنرمند را به آفرینش دچار می‌کند.

وی درباره ماجرایی ساختن ضریح امام حسین (ع) توضیح داد:

سال ۸۵ نامه‌ای از هیأت امنای قم و مردمان خوب،

در سگار و شریف آنجا به من رسید.

آنها گفته بودند که ضریح امام حسین (ع) را دیده‌اند و برای حرم مطهر امام رضا (ع)

از من نمونه کار خواستند.

من عمارت تمام درس و دانشگاه و کارم را گذاشتم و عطر و متفاوت طراحی کردم

و برای دوستان مدیرم در قم فرستادم.

آنها هم فراخوان دادند و عده ای طرح فرستادند و آثار بایکدیگر مقایسه شد تا سرانجام قرعه

کار به نام من دیوانه زدند.

قرعه کار به نام من دیوانه زدند و کار به مقصود رسید

خالق تابلو کمال الملک یادآور شد:

مدت ها به قم در رفت و آمد بودم و تا زنک می زدند خودم را به آنها می رساندم

تا بالاخره ضریح ساخته شد.

خدا داد زاده استاد فوق العاده ماهر قلم زنی هم حکم کردند

و در زمینه خط نیز استاد موحده بکاری داشتند تا کار سرانجام به مقصود رسید.

فرشچیان بایان اینکه آدم مطهری نیست، ادامه داد:

من بارها سجده و خدا را بابت این سعادت شکر می کردم.

من بسیاری از کتاب های را که داشتم به فرنگستان هنر تقدیم کردم هنوز هم کتاب های

خوبی با قدمت ۲۰۰ سال دارم.

روزی در اتاق کارم راه می رفتم که پیم به یکی از کتاب ها خورد و زمین خوردم.

همانجا برخاستم و به درگاه خدا سجده کردم که خدایا شکرت به من آتقدر کتاب داده ای که

از زیادی آنها زمین می خورم.

ضریح و کاشی کاری بهانه تقرب به درگاه الهی است

وی در بخش پایانی سخنانش اعلام کرد باید نکته مهمی بگوید و گفت:

منظور از ساختن ضریح و کاشی کاری های زیبا... فقط و فقط به خاطر ستایش و تقرب

به درگاه الهی است و بس.

این ها فقط وسیله هستند.

برخی از ساخت این ضریح ها کله داشتند. جالب اینکه اتفاقاً مردم فقیر هم پول دادند

و کمک و همراهی کردند تا این ضریح ها ساخته شد.

زائر خودش را در مقابل ضریح قرار می دهد، چوپ و سنگ و قلم زنی و طراحی و سید

است و هدف و منظور این است که به درگاه الهی نزدیک شویم.

فرشچیان در پایان خطاب به مردم گفت:

هموطنان عزیز، سلام این تقاش گوشه کیر منزوی کوچک را بپذیرید.

من فرد فرد شما را خیلی دوست دارم.

گوشه ای از ملاقات با خالق قاب های ماندگار



سمیرا خوانساری - ظهرپنیزی ۲۲ مهر ۱۳۹۱،

برای دیدار بزرگمردی از املی، سربه منزلش رقتیم.

تمام ذرات وجودم، در چشم و گوش و قلمم متمرکز بودند و با این همه، حالا که عکس‌های
آن روز را نگاه می‌کنم، می‌فهمم که چشمانم، هیچ‌یک از نقوش ماندگار دیوارهای آن خانه
رانیدند و وقتی به صدای ضبط‌شده آن دیدار گوش می‌کنم، تازه متوجه می‌شوم که چقدر
نشیدم. انگار دو حس مینایی و شونایی، برای دیدن و شنیدن روح بزرگش کم بودند.
قدم زدن در ملک اهل تواضع، حالی و هوایی می‌خواهد که در روزگار کمتر کسی، توشه راه
علم و ادب و هنر خود می‌کند و بسیاری از عالمان و ادیبان و هنرمندان کنونی، بیشتر به
دنبال اسباب بزرگنمایی اند تا بهمت بزرگ‌نشی و عالمان بی‌عمل و ادیبان بی‌ادب و

هنرمندان بی‌هنر به یمن زمانه فراوان اند که پرداختن به ره رهروان ترکستان در مجال
نوشته‌ای که از مرد هنرمی کوید نیست.

مرد هنرمی که هشتاد و سوین سال عمر پر برکت خود را سپری می‌کند و آثاری در جهان به
نام سرزمینان جاودانه کرده است، که وقتی نگاهشان می‌کنی، سراسر چشم و جان
می‌شوی. کوپی گوش‌بست، موسیقی مواجش را می‌شنود و نسیم جاری دلنوازش،
صورت را خنک می‌کند و اگر کمی بیشتر به اثر نظر کنی، کامت شیرین می‌شود، قلبت
عاشقانه می‌سراید و دیگر دست خالی از ضیافت محمود فرشیان بر نمی‌گردد. به راستی
در می‌یابی که خالق زیبایی، تو را به تماشای خلق دوباره برخی باغ‌ها و بوستان‌های آفرینش،

فرامی خواند.

من، بارها و بارها به ضیافت جهان پررئوز و رازفرشچیان دعوت شده بودم و زیبایی و

معنویت موج هنرش را به تماشا نشسته بودم. اما، این بار فرصتی دست داد تا میهمان

دقایق ایشان باشم و پای سخنان ارزشمندشان زانو بزنم.

سوال هانی پرسیدم و نکته هانی شنیدم که «ادب، هنرآموزی و اخلاق، هنرمند» یکی از

آنها بود:

«این مسئله بسیار در هنر، اهمیت دارد ولی در این زمانه مثل سابق نیست و آن

مرتبت هانی که در قدیم بود، دیگر رعایت نمی شود.

رابطه معلم با شاگردش و شاگرد با معلمش در قدیم، به کار هنری خیلی محکم می‌کرد

و معنویت و اخلاقی که وجود داشت، آموزش هنر را تکمیل می‌کرد.

من، پیچ‌گاه، در برابر استادانم چون و چرا نمی‌کردم و هر ایرادی که از کار من می‌گرفتند،

با جان و دل پذیرا می‌شدم و به دنبال رفعش می‌رفتم.

نمی‌خواهم ریاضدولی هر شب بعد از نماز مغرب و عشاء، ۲ رکعت نماز به نیت

استادانم و همه کسانی که حق به کردن من دارند، می‌خوانم و از خدای تبارک و تعالی

برایشان طلب مغفرت می‌کنم.

از طرف دیگر، پیچ‌گاه به آموختن هنرم به دیگران با چشمداشت مادی نگاه نکردم

و حتی از شاگردان خصوصی ام، پولی نگرفتیم.

ولی در دنیای امروز، همه چیز مادی شده و معنویت که برای انسان زایش فکری می کند،

بسیار کم رنگ است.

در صورتی که معنویت، روح هنر است و باعث شکوفایی اندیشه ها می شود.

در جهان مادی امروز، حتی هنر هم به سمت مادی گرایی سوق پیدا کرده است.

از استاد پرسیدم: آیا آرزوی هنری تحقق نیافته ای دارید؟

بلافاصله جواب دادند:

«نه؛ اصلاً، اصلاً آرزوی هنری نرسیده ندارم و به تمام آرزوهای هنری ام رسیده ام

ویش از آنکه خودم فکر می کردم و استحقاقش را داشتم در برابریم پیش آمد.

مثل همین طراحی ضریح مطهر حضرت اباعبدالله (ع) که به تازگی به اتمام رسیده.

حدود ۵ سال پیش، نامه ای از طرف هیئت امنای قم در مورد ضریح حضرت به

دست من رسید؛ که اولین نامه ای بود که در این زمینه برای کسی فرستاده می شد.

من عمارت بدون هیچ چشمداشتی، ععد طرح تهیه کردم و برایشان فرستادم که همه متنوع

بودند و به دیگر ضریح های اماکن مقدس شبیه بودند و هرصد در صد ایرانی در آنها رعایت

شده بود که سرانجام پس از فراز و فرودهایی تحقق پیدا کرد.

آرزوی من برقراری رونق و آسایش و امنیت در کشور عزیزم است

و همیشه برای مملکت‌م دعا می‌کنم.

مملکت مثل مادر است. پیر می‌شود، می‌سکند ولی باز هم مادر است.

من آرزو دارم شمال، جنوب، شرق، غرب و خلیج همیشه فارس، همیشه با صلابت و

برقرار باشد.

از حضور استاد، حال و هوایشان را هنگام طراحی ضريح حضرت امام حسين (ع) جویا

شدم، استاد با صدای آرام تر و در حالی که به پایین نگاه می‌کردند، گفتند:

باور کنید، اصلاً خودم نبودم و نمی‌توانم برای کسی بگویم.

یک حالت خلسه و پرخودی و فراموشی بود که از خودم کسته می‌شدم

و خدا را شکر می‌کنم که این اتفاق برایم افتاد.

زمان دیدار به پایان رسیده بود و ترجیح دادم که از دریای سیکران ذوق و هنرپاری به قدر

کفایت آن روز بسنده کنم و باقی را به فرصت دیگری بپارم.

هنگام خدا حافظی چشمم به تابلویی افتاد که روی آن به خط خوشی نوشته شده بود:

روح پدرم شاد که می‌گفت به استاد

فرزند مرا هیچ به جز عشق نیاموز

زیر لب با خود گفتم:

روح پدری شاد که این گونه تربیت کرد و روح استادی شاد که جز عشق نیاموخت.



ملاقات با دروازه محارکری ایران

با استاد فرشچیان از عصر عاشورا تا ضریح امام حسین (ع)

مولود زندگی نژاد:

چه سعادتمندیم که هم عصر بزرگ مردان و زنان تاریخ فرهنگ و هنر

ایران زمین ایم؛ میراث داران تمدنی باشکوه که با گام های استوار، پرچمدار و

هویت بخش سرزمین خویش اند.

کوهرانی که باد خشش میان جهانیان مایه فخر و مباهاة ایران و ایرانی اند.

ستارگان درخشانی که همواره در آسمان فرهنک و هنر ایران زمین پرفروغ خواهند

بود؛ یکی از ماندگارترین این چهره ها استاد «محمود فرشچیان» ست؛

استاد بی بدیل نقش ها و نگاره ها که با کلمه سحرآمیز خویش نقش خیال می زند و در

کشف و شهودی یگانه، زیباترین تصاویر عالم را روی قاب تصویر به تماشا می گذارد

و پیش قلمش به راستی افسونگری افسانه ساز است.

آن که آثارش در موزه های جهان دلبری می کند و دیدن آن هر بیننده ای را

سر مست از عشق به خالق و هستی می گرداند.

فرشچیان تنها یک هنرمند و مکارکرتام عیار نیست بلکه انسانی کامل است که راز
آفرینش را به خوبی درک و احساس کرده و آن را استادانه و بهتر بگویم عاشقانه در
آثارش متجلی ساخته. یگانه هنرمندی که تقد و نظریه صاحبفطران و شرق شناسان را
به خود معطوف داشته و بسیاری از بزرگان و هنرشناسان را واداشته که در مقام و شان
او و آثارش قلم زنند.

ملاقات با دودانه مکارکری ایران زمین، استاد فرشچیان، سعادتی بزرگ بود که نصیبان
شد و اهدای مجموعه کتاب های نفیس از این هنرمند که تقد به کتابخانه شخصی
فرهنگستان هنر انگیزه ای شد تا میهمان چهره ماندگار فرهنگ و هنر ایران شویم و

قدری با او به گفت و گو بنشینیم.

استاد آن قدر در رفتار و گفتار خلوص داشت و متواضعانه پذیرای ما بود که همان سخنان «محمد ابراهیم باستانی پاریزی» را به یادمان می آورد که درباره این مکارگر نمدار گفته اند:

«استاد فرشیان بیش از آنکه هنرمند باشد یک معلم اخلاق است.

نحوه سلوک عارفانه و زندگی بی پیرایه او سر مشق هر کسی می تواند باشد که

قلم به دست گرفته و وارد این وادی می شود؛

علاوه بر این فرشیان یک مجموعه از هویت یک ایرانی تمام عیار است.

او در تقاشی سبکی برای خود ایجاد کرده که در نوع خود اگر نگوییم بی نظیر بلکه کم نظیر است.

مسائل عاطفی و حالات روحی انسان و زیبایی‌های طبیعت در آثار فرشیان دست به دست هم داده و تابلوهایی به وجود آورده است که هر بیننده‌ای را مدتی طولانی محتاشای خود خواهد ساخت.»



محمود فرشیان در ۴ بهمن سال ۱۳۰۸ در شهر سرپرور اصفهان دیده به جهان گشود.

پدرش مردی هنردوست بود و هنگامی که اشتیاق فرزند را به هنر تقاشی دید او را به

کارگاه استاد «حاج میرزا آقا امامی» را، نمونه شد. استاد فرشچیان در این باره

می گوید:

«پدرم تاجر فرش بود که به هنر علاقه بسیار داشت و به یاد دارم، بسیار خردسال بودم

که برای خود از نقش قالی نقاشی هایی می کشیدم، وقتی پدرم علاقه ام را به نقاشی دید

مرانزد استاد «حاج میرزا آقا امامی» فرستاد و به این ترتیب بود که من وارد این

عرصه شدم و بعد از آن در سال ۱۳۲۴ به هنرستان هنرهای زیبای اصفهان رفتم

که در آن زمان در سرپرستی «عیسی بهادری» یکی از پرورش یافته گان مکتب

کمال الملک بود و نزد ایشان تعلیم گرفتم.»

او با قرار دادن موهای کربه سفید در انتهای پرکبوتر قلم موهایی آن چنان ظریف و
انعطاف پذیر ساخت که تا امروز در نقاشی و طرح ریزی و ظرافت کاری ها از آن
نوع قلم مو استفاده می کند.

طراحی قالی و سرامیک سازی از دیگر کارهایی بود که فرشچیان در نهایت دقت و
ظرافت انجام می داد و در مهارت به جایی رسید که در سال ۱۳۲۸ «عیسی بهادری»
یکی از گلدان های او را به «آرتور پوپ» هنرشناس مشهور ایداکرد.

فرشچیان در سال ۱۳۲۹ دیپلم عالی خود را از هنرستان هنرهای زیبای اصفهان
دریافت کرد و در سال ۱۳۳۲ برای پژوهش و تحقیق سبک های هنری جهان به

اتریش سفر کرد. او دوباره غزیمتش به اروپا می‌افزاید:

«برای پژوهش روی سبک‌های هنری جهان و آشنایی بیشتر به مدت هفت سال

در وین به تحصیل و مطالعه پرداختم پس از آن به دیگر کشورهای اروپایی سفر کردم.

در هر کشوری روزهای خود را در موزه‌ها و کتابخانه‌ها به دنبال آثار شاخص هنری

می‌گذراندم و دوباره سبک‌های هنری‌شان تحقیق و پژوهش می‌کردم و به‌نگامی که به

منزل برمی‌گشتم به کار طراحی می‌پرداختم و در شبانه روز تنها ۳ تا ۴ ساعت را به

استراحت اختصاص می‌دادم.»

فرشچیان درباره هنر ایرانی و مشرق زمین معتقد است:

«ظرافت و ریزه نگاری و نقطه پردازی که برای زیبا ساختن هر چه بیشتر اثر به کار می رود در کتاب مختلف مشرق زمین و نیز ایران سابقه ای کم و بیش طولانی داشته و ادامه دارد... نقاش ایرانی پیش از آنکه به طبیعت مانوس و وابسته باشد دل بسته گسترش اندیشه و عالم نامحسوس است که بی نهایت خیال را به حالتی دلپذیر تجلی و شکل می دهد و هنرمند برای اینکه تحولات رنگارنگ زندگی مادی یا مادی و استیاری به دنیای او را پدیدان کند برای نمودهای خود معنویاتی فراتر از عوامل زندگی گذرا قائل می شود. زیرا آن هنرمند کار و جاوید است که به مفاهیم انسانی و کلی وفادار باشد.»

در واقع نقاش خیال انگیز، از ابتدا بر این پایه و مایه آثارش را خلق کرده و نخستین

تابلوی خود را در ۱۸ سالگی با نام «گل آدم بسرشتند» چون شعر سروده است

تا جایی که «استوارت کری ولس» سرپرست بخش هنرهای اسلامی و هندی موزه

«ساکر» دانشگاه هاروارد درباره این اثر نوشته:

«این تابلو شاهکاری از ایام جوانی هنرمندی است که توانایی او را در به کمال

رسانیدن همه شیوه‌های نقاشی ایران از معماری و پیکر نگاری تا نقش‌های اسلیمی و

حیوانات و طبیعت بی جان و توده‌های ابر به ثبوت رسانیده است.

فرشچیان در این اثر نه تنها موتیوهای نقاشی را متحول کرده

(مثلاً به حیوانات پر جنب و جوشی که در جلوتابلو بر پشت فرشته در حرکت اند توجه

کنید بلکه به تورات غیر سنتی نظیر ایجاد ابعاد چند ساختی نیز دست یازیده و آسمانی

باد خشدگی خیره کننده تقاشی کرده است.

این اثر محصول نوغی زودرس است.

فرشچیان همانند هنرمندان پیشین بر این واقعیت آگاه بوده است که بر یک تابلو دو

بعدی، بعد سومی را نمی توان استوار ساخت ولی در هاو پنجره ها و طاق ناهاپی که در

تقاشی فرشچیان به چشم می آید کوبی بیننده را از جهان مسطح و یکنواخت به دنیاهای

دیگر، رهنمون می کند.»



در بسیاری از آثار این مکارگر چیره دست، انسان با لطافت و صفادکنار حیوانات
دنده و تندخوی، غزال ها و پرندگان که در حال پرواز و آوازند، به گونه ای ترسیم شده
که آرامش را به ذهن متباد می نمایند و اگر نخواهیم آثار هنری را به عنوان نمادی از
صلح و آرامش برگزینیم بی شک بسیاری از تابلوهای فرشیان در زمره این آثار
قرار خواهند گرفت.

این مکاره ها نماینده کشور و ملتی است که فراز و نشیب های تاریخی را پشت سر نهاده
اما فرهنگ و هنرش را از یاد نبرده است و با عشق به تمامی مخلوقات پروردگار
جهانیان برای وطنش، سرآفرینی کرده، وی تمام علاقه و افتخار خود را ایرانی بودن

خود عنوان می‌کند و در این باره می‌گوید:

«از جان و دل شیفته فرد فرد هموطنانم، مستم و امیدوارم تمامی ایرانیان، همواره

سر بلند باشند.

اما در طول زندگی ام آواره هر شهر و دیاری بودم چون همیشه شیفته یادگیری ام

و هر جا که تجلی و منظمی از هنر یافتم به آنجا سفر کردم تا درباره آن تحقیق و پژوهش

کنم و محطه ای را به بطالت نگذرانم زیرا علاقه مند بودم تا طرف وجودم را با

تجلیات هنری پر کنم.

هم اکنون هم خود را یک هنرجوی دانم و به دنبال کسب معرفت بیشتری

هستم.»

اگرچه فرشیان نمایی دل انگیز از عشق و زندگی را در آثارش متجلی کرده اما در
تابلوی «عصر عاشورا» ماهرانه روایتی حزن انگیز و اندوهبار، ناشی از واقعه تلخ رابه
تصویر کشیده که کویی توقف زمان را نشانه رفته و پنجره ای برای تماشای واقعه ای در
عصر و نسلی دیگر کشوده است.

رنگ های زرد و غبار آلود زمینه اثر و فضایی نا امن و درد آلود در صحرای بی آب،
تصویری است که خالقش با طرافتی خاص چهره های روحانی را با لباس های سیاه از
نظر پوشانده و حزنی ناشی از دودی جا نگاه را القامی کند که با آن اسب خون آلود

بی سوار، حتی نخل ہارا خمودہ کردہ است۔

استاد در پاسخ بہ اینکہ بہ کہ این تابلو ہا و آثارش علاقہ بیشتری دارد چنین می گوید:

«علاقہ ام بیشتر بہ آثاری است کہ مردم آن را دوست داشتہ باشند۔

اما از میان آثارم تابلوی «عصر عاشورا» را بسیار دوست دارم و این بہ دلیل

دلبستگی ام بہ حضرت اباعبدلہ الحسین (ع) است و واقعہ روز عاشورا کہ ہمیشہ مرا

تحت تاثیر خود قرار دادہ است۔

اگر نخواہم آن را بار دیگر نیز بہ تصویر بکشم بہ همین شکل آن را خواہم کشید۔»

«رابرٹ، میلن براند» استاد ہنر اسلامی دانشگاه ادینبورگ آثار او را این کونہ تشریح

می‌کند:

«کستره درون بایه ما و فضاها می‌آثار فرشیان پهناور است و او در نقاشی‌های خود به

یاری خطوط باوقار، تمام عیار و خلسه آور جهان دیگری را فرامی‌خواند،

جهانی که گاه پرجذبه و وجود و حال است و گاه سودازده و اندوه‌سار،

گاه امیدبخش است و گاه نومیدوار، گاه سربلند است و گاه ستم دیده،

اما، همواره بی‌تردید از آن خود اوست.»

او رنگ‌ها را در به وجود آوردن فضاها می‌مختلفی چون اندوه، ترس، شادی و... به

خوبی درک کرده و به کار برده و در تصاویر و صورتگرایی نیز از نوع نگاه و وجود چشمان

بهره‌کافی جست به گونه‌ای که احساس خود را به طور مستقیم به بیننده القامی کند.

در تابلوهای چون «شهید»، «کرمای عشق»، «آفاق» یا «در راه ملکوت»

رنگ‌های آرام با نگاه‌های معصومانه و مینویی مخاطب را به سوی عالم ملکوت

رهنمون می‌شود.

استاد که همه موفقیت خود را مرهون الطاف الهی می‌داند و مکرراً به آن اذعان دارد

چنین ادامه می‌دهد:

«یکی از الطاف الهی آن است که دست راستم هنوز پر قدرت است و

می‌توانم بدون هیچ لرزشی به طراحی و خلق آثار بپردازم،

یکی دیگر از محطه‌های ماندگار زندگی ام طراحی ضریح، سرداب و درب مطهر

حضرت ثامن الائمه حضرت علی بن موسی الرضا (ع) است.

در طراحی سرداب سعی بر این بود تا فضایی بهشتی و معنوی ایجاد شود که به لطف

پروردگار این کار نیز انجام شد.»

نمی‌توان آثار فرشیان را برای یک محطه دید و گذر کرد، چرا که او در کنار آن همه

رنگ‌های دل‌انگیز و نقش‌های ریز و ظریف، موجوداتی بسیار نهان خلق کرده که

هر یک در دل دیگری آن چنان استادانه جای گرفته‌اند که حکایت از تسلط خالق

اثر داشته و بیننده را ساعت‌ها برای کشف هر یک از موتیوها و معانی پای تابلوی

استادمی نشاند.

این هنرمند توانا دوباره هنر نقاشی و توصیه اش به هنرجویانی که به عرصه نقاشی ورود

می یابند، چنین است:

«لازمه هنر نقاشی فیکور است زیرا اگر کسی نهاد هر انسانی را نداند چگونه می خواهد

آن را به تصویر بکشد؟

اگر کسی می خواهد در این راه قدم بردارد باید شبانه روز طراحی کند با آناتومی انسان و

حیوان آشنایی کامل داشته باشد و در نهایت هنرش ایرانی باشد و رنگ و بوی

ایرانی بدهد.»

استاد دوباره بهترین روز زندگی خود می گوید:

«زندگی راهی است آسان، شاد از آن باید گذشت /

شور بخت است آنکه از این ره هراسان بگذرد...»

همه عمرم را می‌یون الطاف الهی می‌دانم و بزرگ‌ترین لطف خدا و زیباترین روز

زندگی ام آن روزی بود که طراح ضریح آقا با عبدالله الحسین (ع) را به دست

گرفتم و با لطف پرودگارم توانستم آن را به پایان برسم.

یکی از ویژگی‌های این ضریح آن است که کوچک‌ترین تشابهی با کارهای دیگر

ندارد.

تمامی نقوش و طراحی‌ها به یکدیگر ارتباط داشته و چشم را به اسماء الله را بهمانی می‌کند.
اندازه‌های این ضریح دقیقاً به اندازه ضریح فعلی است و ارتفاع آن ۳/۶ متر
است و تمامی المان‌های به کار رفته در آن کاملاً ایرانی است و هیچ عنصر خارجی در
آن به کار نرفته است و سعی شده تا حسی روحانی را القا کند.»
به راستی تماشای آثار استاد سفری است به دنیای خیال انگیز و شگفتی‌های زندگی
و همین تفکر و نگاه اوست که آثارش را متمایز ساخته به گونه‌ای که در تابلوی
«آهنگ زندگی»، «نوا می‌مهر» و «طلوع» می‌توان آن را احساس کرد.
در این آثار که مضامینی مشترک دارند، فرشته‌ای بانوای «چنگ» که از مشهورترین

سازهای ایران باستان به شمار می رود، تمامی موجودات را به رقص و شادمانی می خواند

و این هنرمند در این باره بایان ایاتی، چنین شرح می دهد:

زندگی بافتن یک قالی است

نه همان نقش و نگاری که خودت می خواهی

نقشه از قبل مشخص شده است

تو در این بین فقط می بافی

نقشه را خوب ببین، خوب بباف

نکنند آخر کار، قالی بافته ات را بخرند.

زندگی بسیار زیباست ولی مهم این است که نگاهمان به طرف وجودی خودمان

است؛ اینکه ایمان داشته باشیم که می‌توانیم در سایه کوشش و تلاش و یاری

پروردگارمان زندگی خوبی داشته باشیم و از عمر و زندگی خود بهره کافی ببریم.

همیشه احساس کردم که طرف وجودم خالی است و برای همین محطه‌ای از عمرم

را به بطالت نگذراندم و حتی در سفر هم به کار طراحی می‌پردازم تا جایی که از این

مجموعه کتابی در دست انتشار است.»

او درباره رابطه هنر و مادیات نیز نظر جالبی دارد:

«تمامی هنرمندان جوان را مانند فرزندانم دانسته و دوستان دارم و معتقدم مادیات

ہم۔ بخشی از زندگی است و نمی شود بدون امکانات مادی بہ زندگی ادامه داد اما

رسیدن بہ این امر بسیار مهم است باید تہمان را بہ کار دہیم و نباید نخطہ ای را بہ

بطالت بگذرانیم، ہنرمان را مقدس بدانیم؛ برای آن تلاش کردہ و با عشق کار

کنیم و در آخر لطف پرود کار را ہیچ گاہ فراموش نکنیم کہ او روزی رسان است۔

البتہ در این سال ہائی کہ فعالیت داشتیم ہیچ گاہ برای پول و مادیات کار نکردم۔

برای ہیچ کدام از طراحی ہائی کہ برای ضریح حضرت ثامن الائمہ (ع)، حضرت

اباعبد اللہ الحسین (ع) و دیگر کار ہائی کہ کردہ ام مبلغی دریافت نکردہ ام۔

عشق بہ ائمہ اطہار را بیش از آن دانستم کہ نخواہم آن را با مادیات مقایسہ کنم

و علاقه مندم تا کارهایی که در این سال‌های عمرم انجام می‌دهم همه با اعتقادات دینی
و معنویات درونی‌ام ارتباط داشته باشد و امیدوارم تا آخرین لحظه‌های عمرم دستم از
قلم نیفتد.»



خالق «پنجمین روز آفرینش» درباره علاقه‌اش به موسیقی نیز می‌گوید:
«هنگام طراحی آن قدر متمرکز بر کارم هستم که گاه خودم را نیز فراموش می‌کنم و باید
در آرامش کامل اثری را به تصویر بکشم ولی آن هنگام که در حال کامل کردن اثرم
هستم به موسیقی نیز گوش می‌دهم و اثرم را تکمیل می‌کنم.»

زیرا به شعر و موسیقی علاقه بسیار دارم.

هنگامی که ۱۴ ساله بودم به انجمن شعرا در اصفهان می رفتم و در محفل به شاعرانی

کران قدر چون بهایی، شکیب اصفهانی، بصیر، نواو... گوش می دادم

زیرا شعر و موسیقی را در سازندگی بسیار مفید می دانستم. ایاتی را نیز سروده ام.

در آن زمان استادان ما را تشویق می کردند تا مطالعه فراوان داشته باشیم باید بسیاری

از اشعار حافظ، سعدی و... را خوانده و حفظ می کردیم.»

استاد به تازگی در حال خلق اثری به عنوان «معراج حضرت محمد (ص)» است

و درباره آن می گوید:

«مجموعه ای شامل ۱۴ تابلو را برای موزه آستان قدس رضوی در دست دارم که

چند تابلوی آن به اتمام رسیده و پس از نمایش در موزه سعدآباد به موزه آستان قدس

هدیه می کنم.

به آتش انداختن حضرت ابراهیم با منجنیق یکی از این آثار است که داستان بسیار

زیبایی دارد که ابتدا فرشته بادی آید و می گوید آن قدر می وزم تا آتش خاموش شود،

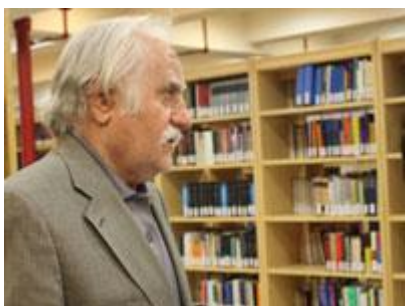
پس فرشته باران می آید و می گوید آن قدر می بارم تا آتش خاموش شود و در آخر

حضرت جبرئیل (ع) به فرمان پرودگار نازل می شود....

تابلوی «سایش پرودگار» نیز از جمله این آثار است،

و در حال حاضر تابلوی «معراج حضرت رسول (ص)» را در دست دارم که بسیار

پرکار است و در این تابلو آن حضرت را از پشت سر به تصویر می آورم.»



مهربان ترین پدر بزرگ دنیا لقبی است که در ۲۲ شهریور

سال ۱۳۸۳ در میان ۱۰۰ شخصیت محبوب جهان در حالی در روزنامه های جهان درج

شد که او در کارگاه خود به خلق آثار ایرانی مشغول بود و اگر نخواهیم درباره استاد محمود

فرشچیان، زندگی اش، آثارش، افتخاراتش و مکتبش بکاریم بی شک باید

متخصصان و صاحب نظران چندین مجلد کتاب و چند واحد انشکاهی را به این هنرمند

نامی اختصاص دهند.

محمود فرشیان نه تنها آثار خود را با میل و اشتیاق به ملت ایران هدیه کرده بلکه بسیاری

از کتاب ها و نشریات نیایی را که در طول سال های عمرش از آنها بهره جسته به

کتابخانه تخصصی هنر فرنگستان هنر اهدا کرد؛ کتاب هایی که درباره اش می گوید:

«این کتاب ها و نشریات را در طول این سال ها تهیه کردم و از آنها استفاده

می کردم و علاقه مندم فرزندان این مرز و بوم از این آثار استفاده کنند من هر چه

دارم متعلق به ملت و مردم است و این عشق به زادگاهم، مذهب و باور ها و

اعتقادات من است که در سال های زندگی ام مرایای کرده است.»



گفت وگویی کوتاه با مجید مهرگان

حاضریم باز هم برای استاد فرشیان شاگردی کنم

مولود زندگی نژاد-

تاریخ ایران سرشار از حکایت‌هایی است که مربوط به استادان و شاگردانشان

می‌شود،

روابط معنوی که شور و عشقی وصف‌ناپذیر را پدید آورده و مثال افسانه‌های

باستان زبانه‌د خاص و عام، در تاریخ حفظ می‌شوند.

در دنیایی که روابط اجتماعی بآبره‌های مادی سنجیده می‌شود، هنوز هم روایت علاقه

و احترام میان استادان و شاگردانشان مایه‌د خوشی است.

چندی پیش میمان انسان وارسته‌ای چون «مجید مهرگان» یکی از استادان

چهره‌دست نقاشی ایرانی بودم تا گفت و گویی در زمینه‌ی کاری ایشان داشته

باشیم.

استاد در غم از دست دادن فرزند، کمی خموده‌به نظر می‌رسید اما هنگام سخن از

استاد، چشمانش می‌درخشید و گرچه خود هم اکنون در مقام و جایگاه والایی در حوزه

مکارگری یا تقاشی ایرانی قرار دارد اما به طور حتمنی نپذیری از استاد و کارهایش
سخن گفت.

آشنایی شما با استاد فرشیان از چه زمانی آغاز شد؟

سن و سال کمی داشتم که وارد حوزه تقاشی ایرانی شدم و در محضر استاد فرشیان به
یادگیری تقاشی ایرانی پرداختم و بسیاری از اوقات خود را با استاد می‌گذراندم.
البته پس از فارغ التحصیلی ام از دانشگاه موفق شدم تا بورسیه‌ای برای ادامه
تحصیل در کشور ایتالیا بگیرم که متأسفانه به علت مشکلات شخصی قادر به ادامه
تحصیل نشدم.

استادفرشچیان به طور مداوم سفارش می کردند تا من ادامه تحصیل بدهم

و در آن هنگام هم خیلی مرا تشویق می کردند تا از این بورسیه استفاده کنم.

ایشان معتقدند اگر می خواهیم در زمینه هنر پیشرفت کنیم باید بر علم و اطلاعات

خود بیافزاییم و من همیشه سعی می کنم هنگامی که می خواهم اثری را با مضمونی

خاص به تصویر بکشم ماه‌ها درباره آن تحقیق کنم.

در این سال ها ویژگی ممتاز استاد فرشچیان را چه دیدید؟

نقوش تزیینی ایرانی بسیار وسیع و متنوع است و در هیچ جای دنیا مثل ومانندی

ندارد. امتیاز استاد فرشچیان احاطه بر تمامی این نقوش است.

به علاوه اینکه در آن زمان که در محضر استاد فرشیان شاگردی می کردم هر سوالی که از ایشان می پرسیدم بدون درنگ و بدون آنکه حساسیتی به خرج دهند به سوالات من پاسخ می دادند و در واقع تمام ریزه کاری ها و نکته هایی را که در نقاشی ایرانی بود با کمال میل و مسرت، آموزش می دادند.

آیا شما تنها شاگرد استاد فرشیان محسوب می شوید؟

خیر، همزمان با آقای کاشیان از محضر استاد بهره مند می شدیم که متأسفانه ایشان نقاشی ایرانی را رها کردند، همچنین زنده یاد صراف بودند که مهارت بی نظیر در نقاشی داشتند. بعداً نیز محمد باقر آقامیری نزد ایشان تعلیم گرفتند.

البته در دانشگاه نیز ایشان تدریس می کردند اما شاگردانی که مثل ما به صورت
مستمر نزد ایشان کار کرده باشند، نمی شناسم.

ویژگی غیرکاری که در استاد دید، چه بوده است؟

یکی از خصوصیات استاد فرشیان «شناخت» است.

ایشان فردی معتقدند که از گذشته بر اعتقادات خود پابند بوده و بر همین بنا کار

می کردند و به نظر من این یکی از ویژگی های بارز شخصیتی ایشان است.

من اوقات بسیاری را از گذشته در کنار ایشان سپری کردم و خاطرات زیادی

از ایشان دارم.

روزی من چند پرنده مشابه کار استاد کار کردم و خیلی هم برای آن زحمت کشیدم؛ یادم هست وقتی استاد این کار را دیدند به من گفتند که هیچ وقت از کار من تقلید نکن.

اگر هزار سال کار کنی در آخر می‌گویند کار فرستادگان است؛
برای خودت سبک و سبکی جداگانه داشته باش.

این شد که من تلاش کردم سبکی بسیار متفاوت از ایشان داشته باشم و همچنان که در نقاشی هایم می‌بینید هیچ یک از آثارم با کارهای استاد فرستادگان مشابهتی ندارند.

من از مکانی که ایشان می گفتند هنوز نبره می برم و از گذشته نظرشان را
دباره کارهایم جویا می شدم و در کارهای جدیدی که انجام می دادم از توصیه های
ایشان استفاده می کردم.

و در واقع حساسیتی که در من ایجاد کرد شاید از خودشان هم بیشتر شد
و باز هم می گویم اگر روزی مجدداً ایشان قرار شود در کارگاهی آموزش دهند من
باز هم در آن ثبت نام می کنم و حاضر می شوم مجدداً یاد می کنم.

دباره سبک و سیاق استاد فرشیان کمی بر ایمن بگوید

استاد فرشیان برای خود سبک و سیاقی خاص دارد.

ایشان کرایشی به ناتورالسم داشته و طبیعت در آثار ایشان بسیار زنده جلوه
می‌کند. من تمامی کارهای ایشان را دوست دارم و اصولاً از بکشان لذت
می‌برم ضمن آنکه ایشان در طراحی بسیار خبره و چیره دست هستند و هر کدام از
کارهایشان با دیگری متفاوت است.

باید اذعان داشت هنوز هم ماهمتهای فرسچیان نداریم و باید او را پدر نقاشی
ایرانی معاصر بشناسیم.

در مورد کار اخیر استاد یعنی طراحی ضریح حضرت اباعبدالله (ع) هم کمی توضیح

دهید

شورایی از سوی «سازمان سازی عقبات عالیات» در قم تشکیل شد.

این شورامرکب از هنرمندان تراز اول در رشته هنرهای سنتی بود.

در این شورامن و آقای رجبی نیز حضور داشتیم.

قرار شده بود تا برای سه ضریح امام حسین (ع)، امام حسن عسکری (ع) و

حضرت علی (ع) طرحی آماده شود و پس از تایید این شور او تصویب به مرحله

اجرا دربیاید.

کل اعضای شور برابر این اعتقاد بودند که تنها کسی که می تواند این کار را بر عهده

داشته باشد استاد فرشچیان است زیرا بالاتر از ایشان در طراحی ایرانی وجود

ندارد.

بعضی اوقات در هنگام طراحی این ضریح من به همراه ایشان به قم می رفتم زیرا

می خواستند بر کار نظارت داشته باشند و حتی نظر مرا می پرسیدند.

بحق کار ایشان بسیار زیبا و شکیل است.

آیا استاد هزینه ای برای طراحی ضریح دریافت کردند؟

خیر؛ استاد فرشچیان این کار را به صورت یک تذرانجام دادند و وجهی دریافت

نکردند.

گرچه مسافرت برای سلامتی ایشان بسیار مضراست اما ایشان برای اتمام

کار، سالی دوبار به ایران سفر می کردند تا کار را به نحو احسن به پایان ببرند.

استاد مجید مهرگان در سال ۱۳۲۴ در شهر رشت متولد شد.

وی طراحی و مکارگری را نزد استاد «اکبر تجویدی» و «محمود فرشچیان»

آموخت. پس از فارغ التحصیلی در رشته کرافیک از دانشگاه هنرهای تزئینی

به عنوان استاد نقاشی ایرانی به استخدام وزارت فرهنگ و هنر درآمد.

تدریس در هنرستان دختران و پسران، مدیریت هنرستان، هنرهای زیبای

پسران، عضویت در شورای عالی ارزشیابی هنر، عضویت در هیئت داوران

و انتخاب جشنواره های فجر در چهار دوره و... راد کارنامه فعالیت های خود

دارد.

استاد مهرگان نماینده‌های متعددی را در سراسر جهان برگزار کرده است.

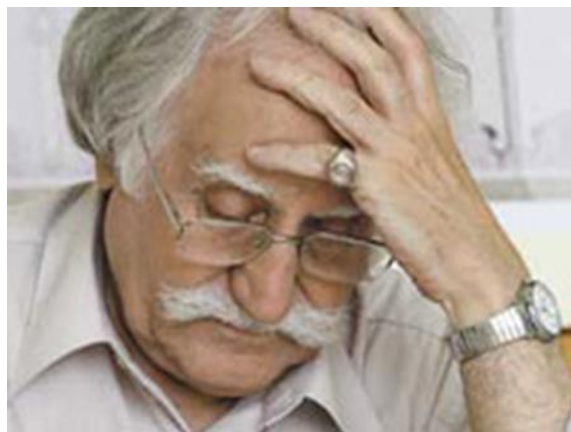
دارا بودن مدال درجه یک هنر از موسسه اکو، دریافت درجه یک هنری (دکتر)

در رشته نگارگری از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از افتخارات

استاد مهرگان است.



جملاتی چند از زبان استاد کرامت‌دور فرشیان:



: آن هنری ماندگار و جاوید است که به مفاهیم انسانی وفادار باشد.



: در طول زندگیم آواره هر شهر و دیاری بودم چون همیشه شیفته یادگیری هستم.

: یکی از الطاف الهی آن است که دست راستم هنوز بر قدرت است.



: امیدوارم تا آخرین لحظه های عمرم دستم از قلم نیفتد.



: یکی از لحظه های ماندگار زندگیم طرحی ضریح حرم مطهر امام رضا علیه السلام است.



: زیباترین روز زندگی ام روزی بود که طراحی ضریح ابا عبدالله الحسین علیه السلام را

بدست گرفتم.



آثاری چند از استاد:

عصر عاشورا





تابلوی شمس و مولانا



مراسم رونمایی از تابلو شمس و مولانا



انتظار



موی سپید



پیکر



حضرت ابراہیم (ع)



مولود کعبہ



آفاق



نیایش



حضرت ابراہیم (ع) در گلستان



قشورس



غدير خم



پیراھن یوسف



ضامن آهو (امام رضا (ع))



معراج



شیر



حمایت



در کسین گاه





ابراهيم بت شکن















پنجمین روز آفرینش





رایحه دلنواز



















رایحه شادمانی



به سوی نور





























منابع: سایت رسمی استاد محمود فرشیان

سایت تبیان و.....

و برای سلامتی و طول عمر با برکت استاد کرانمایه و بزرگوار سرزمین سبزمان ایران عزیز

به درگاه خداوند دعا می‌کنیم



به پایان آمد این دفتر حکایت، همچنان باقی ست